

بازبینی مواضع رژیم پهلوی، روحانیت و مردم ایران، در منازعات فلسطین و اسرائیل

داوود امینی

۱۹۱۸م.، جامعه ملل، فلسطین را - که از متصرفات عثمانی بود - به تحت‌الحمایگی انگلیس درآورد. انگلستان هم متعهد شد برپایه شرایط تحت‌الحمایگی، سرزمین فلسطین را به گونه‌ای اداره کند که زمینه‌های شکل‌گیری کشوری مستقل در آن فراهم شده، حقوق فلسطینیها پایمال نشود. (۲)

از آنجا که منطقه استراتژیک خاورمیانه، از دیرباز در کانون توجه استعمارگران کهن و نوین قرار داشته، نگاهی گذرا به تاریخ پرفراز و نشیب خاورمیانه، نشان می‌دهد که در طول چند قرن گذشته، این منطقه بیش‌ترین تاخت و تازها و لشکرکشیها را در سطح جهان، به خود دیده و هنوز هم از آن رهایی نیافته است. وقوع جنگهای مهمی چون نبرد اعراب و اسرائیل و بحران فلسطین نیز، در همین راستا قابل بررسی است. در این نوشتار، برآنیم تا با نگاهی به اسناد، به اجمال نقش و سیاست ایران را در تحولات مهم فلسطین، مهاجرت یهودیان به آن مرز و بوم، شکل‌گیری اسرائیل و برقراری ارتباطات با آن نظام، در دوره پهلوی، و حمایت علما و ملت مسلمان ایران از مردم فلسطین، مورد بازکاوی قرار دهیم.

در دوره رضاشاه، مسئله مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین و سیاست دولت ایران در قبال مسائل آن کشور، از حساسیت مذهبی بالایی در داخل و خارج کشور برخوردار بود. چنانکه این موضوع باعث بروز واکنشهایی از جانب گروهها و جمعتهای مذهبی کشورهای اسلامی و نیز علما و مردم مسلمان ایران گردید. از سال ۱۳۱۲ش. - که دولت انگلیس، براساس تمهیدات از پیش تعیین شده، اجازه عبور کلیمن را از ایران به فلسطین صادر کرد - از دیاد جمعیت کوچنده به سوی فلسطین، موج شکایات و اعتراضات مسلمانان را به همراه داشت. به همین دلیل، گروهها و دستجات مسلمانان در کشورهای عربی، اعتراضیه‌هایی مبنی بر رفع مظالم نسبت به ملت عرب در فلسطین، صادر کردند. همچنین، از دولت ایران نیز خواستند تا به عنوان کشوری مسلمان، در جهت حمایت از مسلمانان فلسطین، اقدامات مؤثری صورت دهد. به طوری که جمعیت شیبان مسلمین، اعتراضیه‌ای در مورد مهاجرت یهودیهای ایران به فلسطین، به تسولگری ایران در موصل تسلیم و اعتراض مسلمانان را نسبت به این عمل، اعلام کرد و شیخ عبدالله افندی مجتهد، رئیس جمعیت هدایت اسلامی در موصل نیز، با حضور در فئولگری

اشاره

در اواخر فروردین ماه سال جاری (۱۳۸۵)، سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین، با حضور ۶۰۰ میهمان خارجی و ۴۰۰ اندیشمند و نیز رؤسا و نمایندگان مجالس از حدود ۵۰ کشور جهان، در تهران برگزار شد. در حاشیه این همایش، نمایشگاه فلسطین، از سوی جمعیت دفاع از ملت فلسطین، در محل مجلس شورای اسلامی، برپا گردید که سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نیز، حضور فعالی در آن داشت. اسنادی که در این نوشتار مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته، تنها در حیطه محدود اسناد ارائه شده در نمایشگاه فلسطین می‌باشد که از یکسو، معرف وجهه علمی اسناد تاریخی نمایشگاه و از جانب دیگر، بازکاوی مواضع حکومت پهلوی اول و دوم، در برابر رویدادهای مربوط به جنگ اعراب مسلمان فلسطینی و اسرائیل و نیز، ارتباط آن رژیم با دولت اسرائیل و برخورد علما و مراجع و مردم مسلمان ایران، با این قضیه است. بی‌شک، هزاران برگ اسناد موجود در آرشیو ملی کشور ایران، بازگوکننده زوایای مختلف این جریان استعماری سده معاصر، در خاورمیانه خواهد بود.

کلید واژه‌ها

ایران، فلسطین، اسرائیل، روحانیون، رژیم پهلوی، جنگ

یهودیان اروپا، در سال ۱۸۸۲م. در روسیه دور هم جمع شدند تا برای جبران پراکندگی و سرگردانی خود، چاره‌ای بیندیشند. "هرتسل" صهیونیست معروف، در کتاب خود توصیه کرده، آژانس یهود تشکیل شود تا برنامه مذاکرات و نقشه‌های صهیونیستها را تنظیم کند و آژانسی یهودی، به وجود آید تا احتیاجات مادی و مالی نهضت را برآورده سازد. نخستین کنگره صهیونیستها در شهر "بال" تشکیل گردید و پس از مشورتها و مذاکرات بسیار، قطعنامه‌ای صادر شد. در این قطعنامه، برنامه نهضت صهیونیسم مشخص شد و فلسطین، منطقه مهاجرت و محل تشکیل ملت واحد یهود، تعیین گردید. فلسطین را "سرزمین اسرائیل" نامیدند و پرچم صهیونیستی و شعار ملی یهود نیز، تعیین شد. (۱)

پس از تجزیه امپراتوری عثمانی، متعاقب جنگ جهانی اول در سال

شاهنشاهی ایران، اعتراضیه جمعیت مزبور را به قنصل ایران داد و هر دو جمعیت، خواستار اقدام قاطع دولت ایران، در رفع مظالم و تعدیات به ملت عرب فلسطینی شدند. (۳)

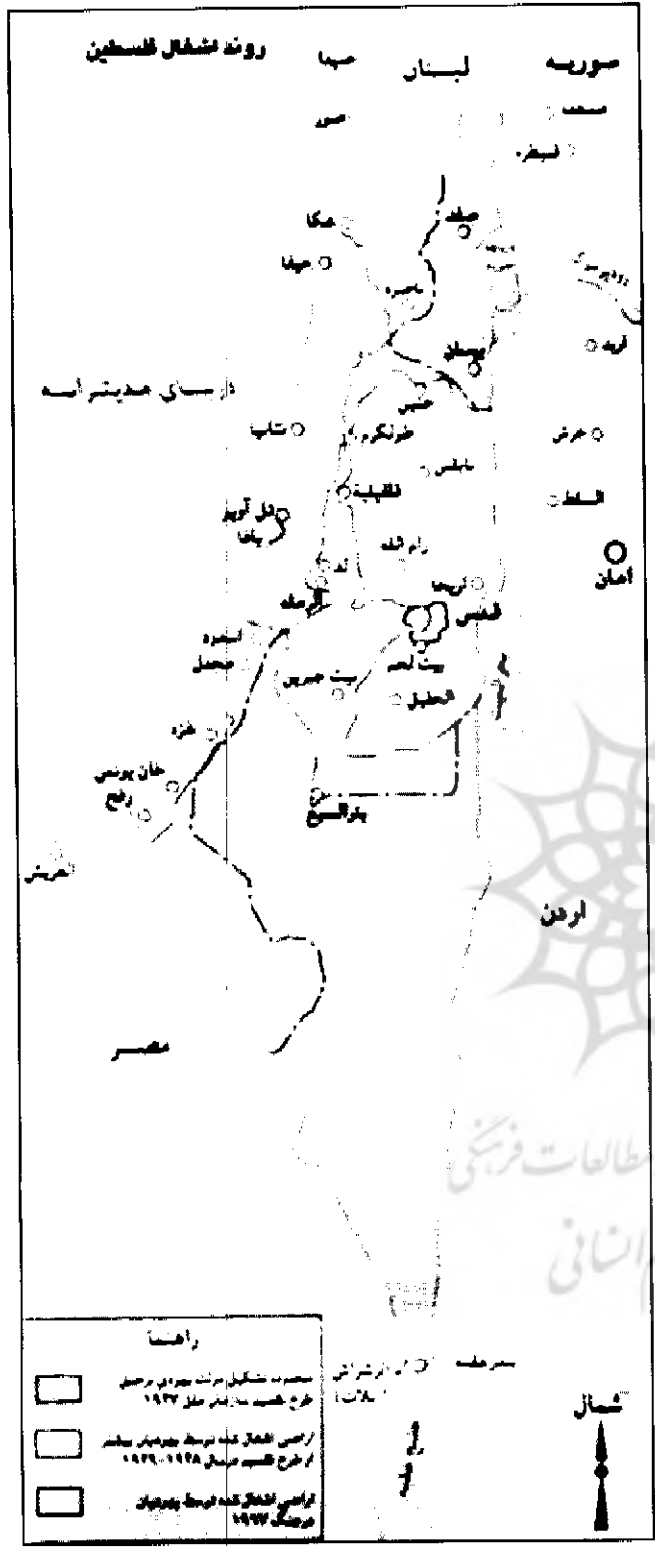
حاج امین الحسینی، مفتی فلسطین و رئیس مجلس شرعی اعلای اسلامی آن دیار نیز، ضمن اعلام شادمانی مسلمانان فلسطین از تأسیس قنصلگری ایران در کشور متبوعش، به قنصل کشورمان در فلسطین، از تلاشهای مشوقانه جمعیتهای سیاسی صهیونی، در تحریک یهودیان ایران برای مهاجرت به فلسطین و اسکان در آنجا هشدار داد و متذکر شد که بر اثر تشویقات و تبلیغات آنان، عده‌ای از یهودیان ایرانی با خانواده هایشان، از طریق عراق و دیگر کشورها، به صورت مجاز و غیرمجاز، به سوی فلسطین روی نهاده‌اند و این را ضرری بزرگ برای فلسطین اسلامی برشمرد که صهیونیها به عزم ایجاد کشوری یهودی‌نشین، به آن طمع ورزیده‌اند؛ و از دولت ایران خواست تا اقدامات پیشگیرانه‌ای در برابر مهاجرت یهودیان ایرانی به فلسطین به عمل آورد و مانند بسیاری از دول اسلامی، از نخستین قبله‌گاه مسلمانان و نیز سومین حرم شریف پس از مکه و مدینه، از طغیان مهاجرت یهود، صیانت نماید. (۴)

همچنین، علما و روحانیون ایران نیز، در خصوص حمایت از اعراب فلسطینی، بی تفاوت نماندند و به آگاهسازی مردم مسلمان ایران، نسبت به قضیه قدس و نفوذ یهودیان در سرزمین فلسطین، مبادرت ورزیدند. در این میان، تلگراف آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم به رضاشاه راجع به مسئله فلسطین، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ بویژه آنکه نشانگر دخالت وی در مسائل سیاسی کشور و جهان اسلام می‌باشد (۵)؛ چنانکه در تلگرافش به شاه، نوشته است:

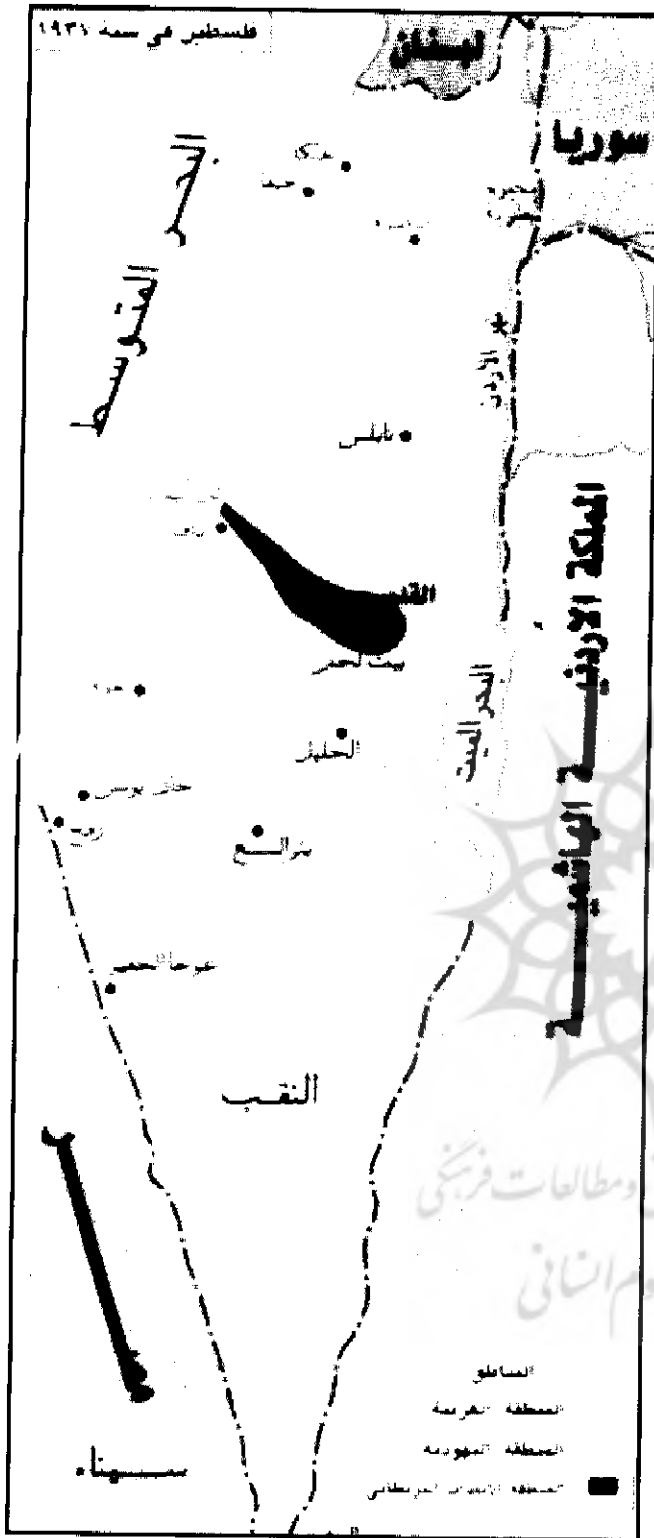
«... امروزه مسلمین در این هجوم به فلسطین و بیت المقدس، مستغیث به آن یگانه حامی است و چشم همگی به الطاف خاصه ملوکانه است. امید به اعانت پروردگار - جل و علا - این غائله مهمه، با توجهات خاصه مرتفع، [و] موجب مزید دعاگویی این ضعیفه و عامه مسلمین گردد.» (۶)

آیت الله سیدمحمد بهبهانی نیز، تلگرافهای مراجع و علمای قم را - که برای وی، راجع به استعانت در امر مسلمین فرستاده شده بود - برای شاه ارسال داشت و موافقت شاه را با انتشار تلگرافهای علما در جراید کشور تقاضا کرده؛ لیکن دفتر مخصوص شاه، طی نامه‌ای به رئیس الوزرا، اعلام کرد انتشار تلگرافهای علما درباره مسلمانان فلسطین، در جراید کشور مقتضی نمی‌باشد. (۷)

تحرکات و اقدامات گسترده روحانیون و مردم و نیز صدور تلگرافها و بیانیه‌های متعدد علما و مراجع دینی کشور، حکایت از توجه خاص عموم مسلمانان ایران به مسئله فلسطین، در دوران حکومت رضاشاه داشت. در چنان شرایطی، دولت ایران در باب قضیه فلسطین سکوت اختیار کرد و اجازه نشر این اخبار و انتشار رسائل علما را در جراید کشور نمی‌داد؛ گو اینکه سکوت دولت ایران نمی‌توانست دوام داشته باشد. چرا که از سال ۱۳۱۶ش، موج رو به ازدیاد جمعیت یهود از اروپا، در پی مشکلات و بحرانهای مابین دو جنگ جهانی، خواهان ورود به ایران بودند. تشکیل حکومت ناسیونال سوسیالیسم در آلمان و ایجاد وضعیت سخت برای یهودیان آلمانی و مهاجرت آنان به سایر کشورها، (۸) رواج انگیزه یهودآزاری در اروپا و برنامه‌های



حساب شده صهیونیسم، در اسکان یهودیان در فلسطین، واقعیاتی بود که در خارج ایران اتفاق می‌افتاد و عده کثیری از آنان، خواهان ورود به ایران بودند.



در چنین زمانی، دولت ایران، با ورود گروه‌هایی از متخصصان یهودی به کشور، موافقت کرد و مسائلی چون اعتراضات گسترده مردم فلسطین، در برابر مهاجرت یهودیان به آن سرزمین، موجب گشت تا از جانب دولت انگلستان هم در طرح کوچاندن یهودیان به فلسطین، تعدیل ایجاد شود.

در همین زمان، شورای اعراب، با برگزاری کنگره‌ای در مورد تعیین حق و حقوق ملت فلسطین، تصمیماتی اتخاذ کرد. در نامه رئیس شورای اعراب به رئیس الوزرای ایران در سال ۱۳۱۶ش، متن اعلامیه و تصمیمات کنگره برگزار شده در مورد حقوق حقه مردم فلسطین و حفظ تمامیت ارضی آن سرزمین، به شرح ذیل اعلام گردید:

۱- فلسطین، یک قسمت اصلی از سرزمین اجدادی اعراب می باشد.

۲- ملت عرب، اساساً با موضوع تقسیم فلسطین و تشکیل مملکت یهود، مخالف است.

شورای ملی اعراب، تقاضا می نماید تا اعلامیه "الفور" ملغاً و حکومت قیومیت، منحل گردد. ضمناً، پیشنهاد می نماید تا عهدنامه بین انگلستان و فلسطین، با حفظ استقلال کشور مزبور و تأسیس حکومت مشروطه، منعقد شود. بدیهی است، عهدنامه مزبور، حقوق اقلیتها را بر طبق اصول بین المللی رعایت خواهد نمود.

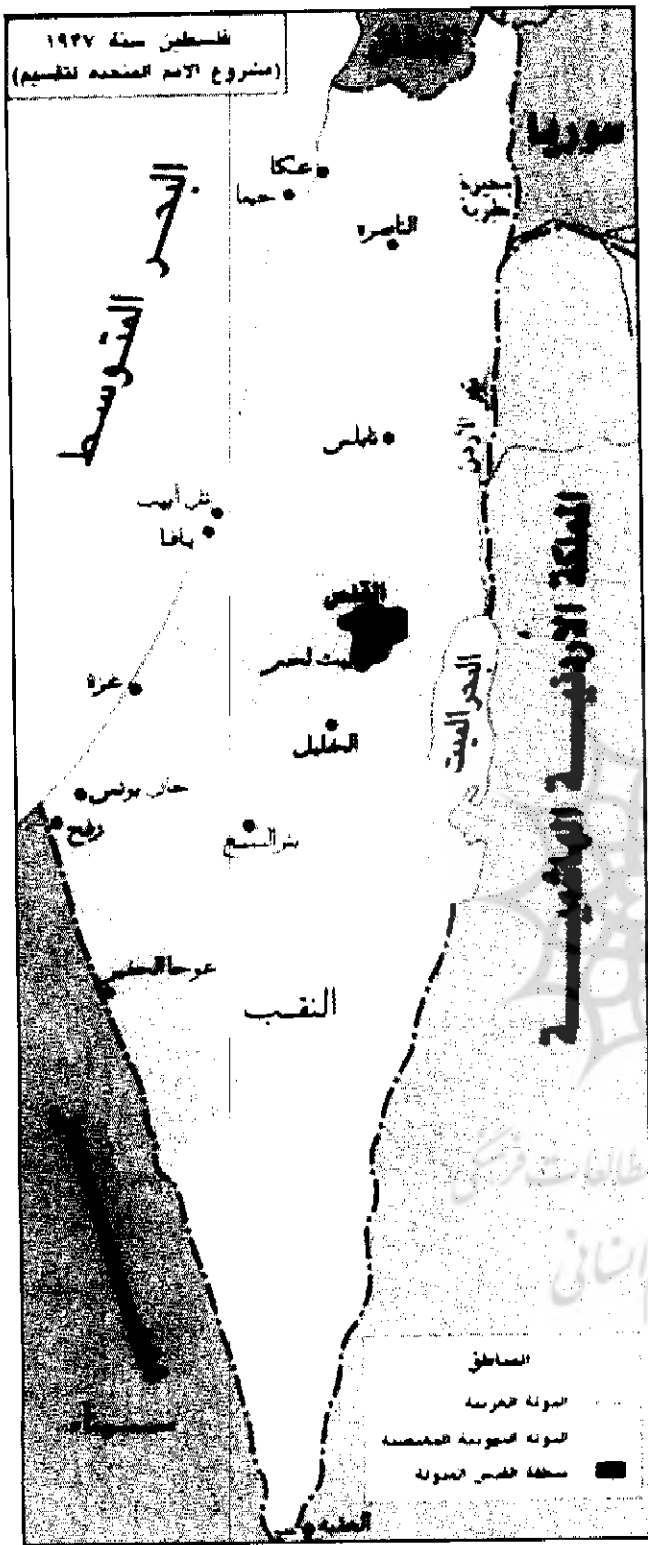
۳- مهاجرت یهودیان [به فلسطین] قطع گردد و با وسایل مقتضی، از اشغال سرزمین اعراب به وسیله یهود، جلوگیری به عمل آید.

۴- شورای ملی اعراب، اعلام می دارد که روابط دوستانه کشور عرب و انگلستان، منوط به موافقت با تقاضاهایی است که قبلاً به عمل آمده بود و اصرار دولت انگلستان در ادامه سیاست فعلی خود، سبب می گردد تا ملت عرب نیز، به وسایل جدیدی متشبث شوند. استقرار صلح بین اعراب و یهود، تنها منوط به موافقت با تقاضای مزبور است. شرایط فوق، تنها وسیله طبیعی و منصفانه برای ختم غائله هرج و مرج و نزاع و ایجاد اساس صلح در سرزمین مقدس خواهد بود. (۹)

در چنین شرایطی که مسلمانان جهان، ملت فلسطین را جزئی لاینفک از کشورهای اسلامی می دانست و سرزمین بیت المقدس، اولین قبله گاه مسلمانان جهان به شمار می آمد، شورای اعراب، باتوجه به حقانیت ملت فلسطین، تکلیف را بر کشورهای اسلامی مشخص کرد.

با وجود حمایتها و جانبداریهای علما و مردم مسلمان کشورمان از ملت فلسطین در دوره رضاشاه، روابط دولت ایران با فلسطینیان چندان شفاف نبود و این دولت، تلاش می کرد تا در قضیه درگیری اعراب فلسطینی و یهودیان، بی تفاوت باشد. چنانکه در گزارش وزیر امور خارجه وقت ایران، در نهم شهریور ماه ۱۳۱۷ش، به دفتر مخصوص شاهنشاهی، با دعوت رسمی دارالانشای کنگره مجلس ملی درباره فلسطین، از رئیس و نمایندگان مجلس شورای ملی ایران برای شرکت در آن کنگره، مخالفت به عمل آمد. این کنگره، قرار بود با حضور نمایندگان کشورهای اسلامی برگزار شود و کشورهای مصر، سوریه، لبنان، عراق و اردن نیز در آن شرکت داشتند. این مخالفت، از آنجائایی می شد که وزیر امور خارجه دولت رضاشاه، از سوئی با اوضاع پیچیده آن روز دنیا، مداخله دولت شاهنشاهی در قضایای فلسطین را بیهوده تلقی می کرد و نفعی برای ایران در آن نمی دید و از طرف دیگر، باتوجه به

اقدامات مذهب زدایانه رژیم در کشور، سیاست دولت ایران را در آن مقطع، جدایی دین از سیاست قلمداد کرد و دخالت در امور مذهبی مسلمانان فلسطین



را به مصلحت کشور نمی دانست و آن را امری مربوط به منازعه اعراب و یهود بر شمرده و مداخله کشورهای چون عراق و مصر را نیز، طمع آنان در به دست آوردن جایگاه و موقعیت برتر در میان کشورهای عربی - اسلامی خواند. (۱۰)

از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۲ ش. یعنی در بحبوحه جنگ جهانی دوم، درخواست یهودیان اروپایی برای ورود به ایران افزایش یافت و این مسئله، به صورت مصوبات بین المللی صادر گشت. در آن زمان - که هنوز دولت اسرائیل شکل نگرفته بود - دولت ایران هم چندان با ورود یهودیان به کشور موافق نبود. همین امر، موجب گشت تا طی سالهای یاد شده، در برابر عدم همکاری کشورمان در ماجرای ورود یهودیان به ایران و نیز طرفداری ملت مسلمان ایران از فلسطینیان، جراید صهیونیستی تا سال ۱۳۲۴ ش. افکار عمومی یهود را متوجه طرفداری ایران از مسلمانان فلسطین و تشریح ناپهنجاری وضع یهودیان در ایران کنند؛ چنانکه روزنامه "الاخبار" چاپ بغداد، در مقاله ای تحت عنوان "طرفداری ایران از فلسطین عربی"، نوشت:

ایرانیان، حوادث فلسطین را با اهمیت تلقی نموده و روزنامه های ایران نیز مقالات مفصلی در اطراف جور و ستم استعماری صهیونی در فلسطین عربی، درج می نمایند. از جمله روزنامه "ارادة ملی" که یک سری مقالات پیرامون تاریخ جنبش و مراحلهای استعماری صهیونی، در فلسطین و غصب حقوق اعراب فلسطینی و تهیه مقدمات، برای استیلا بر سایر کشورهای عربی و اسلامی را نشر داده است. (۱۱)

همچنین این روزنامه، گزارشی از تظاهرات مردم تهران در مسجد شاه، علیه یهودیان فلسطینی و سیاستهای استعماری آنان درج کرد و نوشت: مردم ایران، فلسطین را جزو لایتجزای عالم اسلامی می دانند.

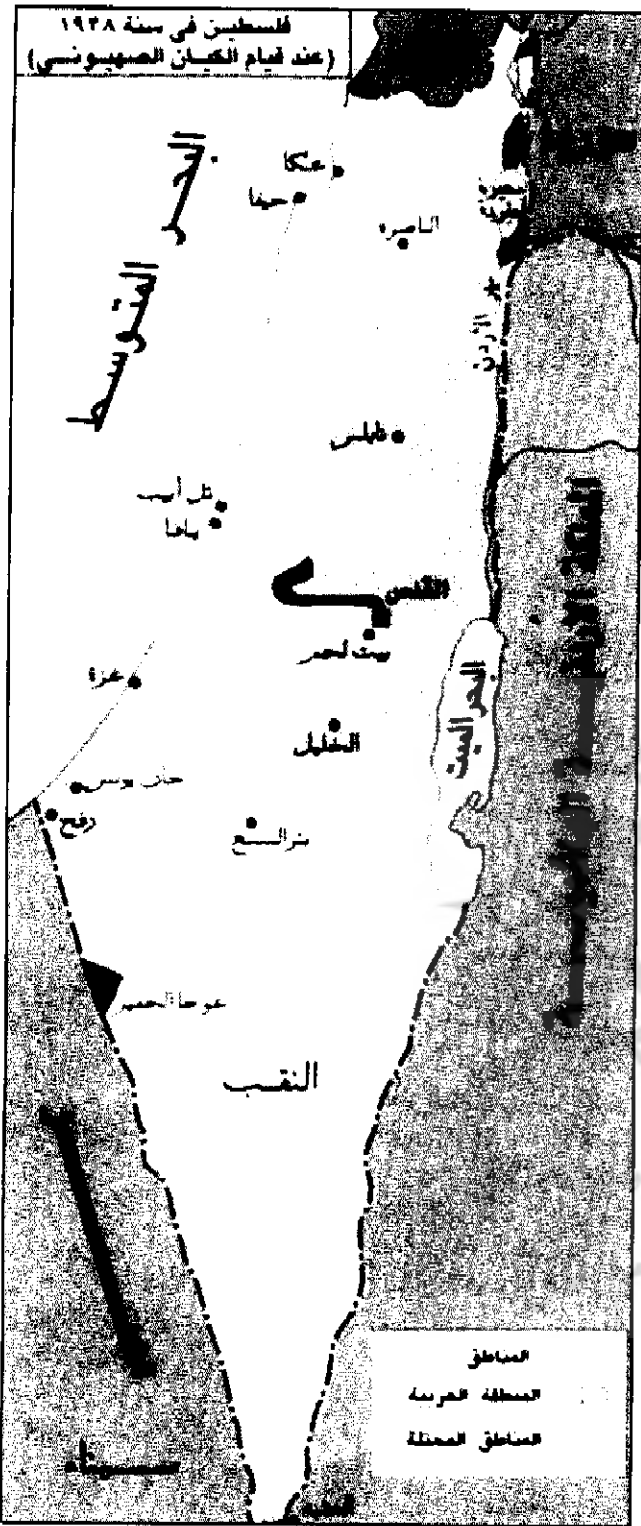
نکته مهم آنکه، مهاجرت یهودیان به فلسطین در این سالها، در شرایطی صورت می گرفت که به رغم به اصطلاح کثرت تعدادی یهودی به دست آلمانیها و اذیت و آزارشان به دست اروپائیان و آمریکائیان، حتی کوچک ترین قطعه زمینی به آنان در اروپا یا آمریکا، اختصاص داده نشد و همگی آنان را به اجبار روانه فلسطین اشغالی ساختند؛ چنانکه براساس گزارش سیزدهم آبان ۱۳۲۴ ش.، سرکنسولگری ایران در فلسطین و شرق اردن، حتی شهردار و منشی مجمع محلی کارگران یهود نیز، به این امر اعتراض کرد و طی نطقی، در جمع یهودیهای فلسطین - که برای اعتراض به کشته شدن یهودیان به دست آلمانیها تظاهرات می کردند - گفت:

اکنون که جنگ تمام شده، فاتحین برای نجات بازماندگان یهود در اروپا، اقدامی ننموده اند و در موقعی که قطعات اروپا را یک دولت گرفته و به دولت دیگر واگذار می کنند، از دادن قطعه زمین کوچکی به یهود، مضایقه و خودداری می نمایند... (۱۲)

در چنین اوضاع و احوالی که موج کوچاندن یهود توسط اروپائیان و آمریکا و روسیه به فلسطین ادامه داشت، سر "ادوارد اسپیرز"، وزیر مختار سابق انگلستان در سوریه و لبنان، در سال ۱۳۲۴ ش. برای پیشگیری از شورش اعراب مسلمان فلسطینی، در روزنامه "دیلی تلگراف"، نوشت:

"حقیقت مسئله آن است که فلسطین، بیش از تعداد معینی نمی تواند بپذیرد و فلسطین، یک کشور عربی بوده و ما نمی توانیم

بدون رعایت مصالح اعراب - که اکثریت دارند - اقدامی ننمائیم اعراب، چیزی جز آسایش خود نمی خواهند؛ ولی راضی هم



نیستند که در کشور خودشان، در اقلیت باشند. (۱۳)

حتی، در وضعیتی که به دلیل شرایط نابهنجار سرزمینهای اشغالی و عبرت زندگی برای یهودیان، عده‌ای از یهودیهای فلسطین، می‌خواستند از این سرزمین خارج شوند و جمعی از یهودیهای اروپایی هم قصد داشتند به کشورهای اصلی خودشان مراجعت کنند، از بازگشت آنان ممانعت به عمل آوردند و یهود، با انتشار بیانیه‌ای، تأسیس خانه اصلی خود را در سرزمین فلسطین اعلام کرد. آمریکا نیز، اصرار نمود تا هزاران یهودی کشورش را، به اجبار روانه فلسطین اشغالی کند. در این زمان، سر "جون هوب لمپسون"، تحت مقاله‌ای در روزنامه تایمز لندن، چنین ابراز عقیده کرد که انتشار بیانیه یهود، برای تأسیس خانه اصلی و در حقیقت برای ایجاد یک دولت یهودی می‌باشد و معتقد است که در مقررات مهاجرت، باید تغییری داده شود و راجع به وضعیت آنها در فلسطین، باید تصمیمی اتخاذ گردد. (۱۴)

"استقان اوانس"، رئیس اتحادیه کارگران آمریکا نیز، از سیاست خارجی آمریکا، در خصوص اعزام اجباری یهودیان به فلسطین، انتقاد شدید کرد و گفت:

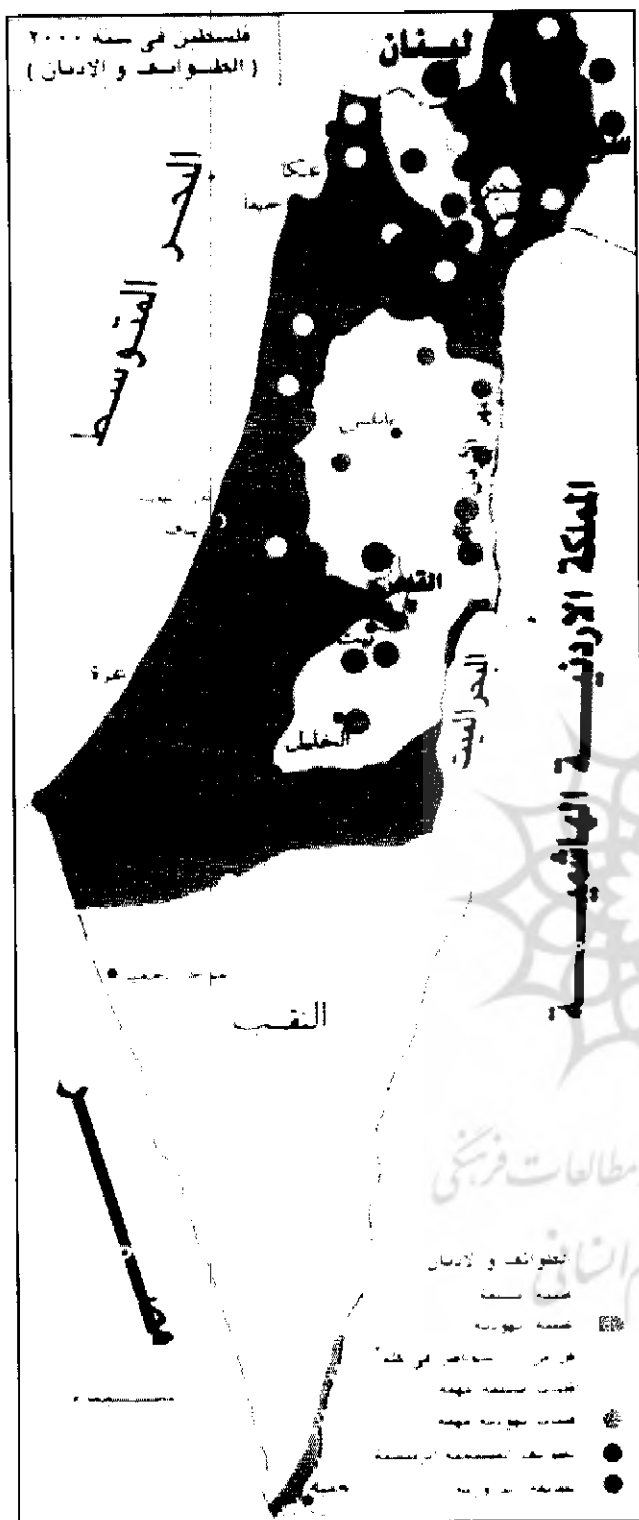
"آمریکا اصرار دارد که صد هزار یهودی به فلسطین برونند، ولی در صورت بروز انقلاب از طرف اعراب - که قطعاً پیش خواهد آمد - مسئولیت قبول نمی‌کند." (۱۵)

در این باره، روزنامه "حیروت" هم تحت عنوان "حقایقی که باید به گوش اعراب برسد"، نوشت که لیدرهای صهیونی، همیشه اظهار می‌داشتند که صهیونیها، نمی‌خواهند دولتی تشکیل دهند. این اظهارات، همیشه چه در جراید و چه در مجامع و کنفرانسهای بین‌المللی، تکرار می‌شد. ولی آنها دروغ می‌گفتند و می‌خواستند اعراب را گمراه کنند. در این روزنامه، بر این نکته تأکید می‌شود که ما طالب تشکیل دولتی هستیم که حدود تاریخی ما را دربرداشته باشد، یعنی حدود آن از رود فرات تا دره نیل باشد و بدین جهت، با کمال صراحت، به اعراب اعلام می‌کنند که در مرحله دوم، یهودیان تصمیم به تشکیل دولتی، در دو سمت رودخانه اردن دارند و می‌خواهند، یهودیهای پراکنده جهان را در این نقطه جمع کنند و در مرحله سوم، دولت اسرائیل را به عنوان قوی‌ترین دول عالم شکل دهند. از این روی، در همین مقاله، بی‌پرده با بازگشت فلسطینیهای آواره به کشورشان مخالفت کرده و می‌گویند، ما مکانی برای جای دادن شما نداریم و ترجیح می‌دهیم، یهودیان را از خارج آورده، جایگزین شما نماییم. (۱۶)

تا جایی که طبق گزارش سی‌ام آذر ۱۳۲۵ش، محمدعلی همایون‌نجاه، کفیل وزارت امور خارجه به نخست‌وزیر، براساس نظر سفارت ایران در بغداد، در این زمان، یهودیان اقدام به تأسیس شرکت سهامی در فلسطین کرده و از طریق این شرکت، اقدام به خرید زمینهای اعراب فلسطینی می‌کردند. (۱۷) بدین ترتیب، در نتیجه سیاستهای حساب‌شده انگلیس و صهیونیستها، روز به روز یهودیهای فلسطین پرشمارتر، سازمان یافته‌تر و نیرومندتر شدند و این روند، سرانجام در نخستین ماههای پس از جنگ جهانی دوم، به درگیریها و کشمکشهای سختی میان اعراب و یهودیان فلسطین انجامید. انگلیس - که تا این مرحله کار را بخوبی پیش برده بود - موضوع را به سازمان ملل متحد کشاند. (۱۸)

از سال ۱۹۴۷م. - که مسئله فلسطین در سازمان ملل متحد و در دستور کار مجمع عمومی آن سازمان قرار گرفت و اعراب، پیشنهاد ختم دوران قیومیت

انگلستان و استقلال فلسطین را نمودند - مواضع ایران، از مخالفت با تقسیم فلسطین و طرفداری از فلسطین یکپارچه و فدرال، متشکل از دو ایالت یهودی



نقشه شماره ٥

- که به اجبار در سرزمینهای اشغالی فلسطین اسکان داده شده اند - به اوطان اصلی خود باز خواهند گشت.

و عرب، حکایت می کرد.

سرانجام در هشتم آذر ۱۳۲۶ش. مجمع عمومی سازمان ملل، پیشنهاد تقسیم فلسطین را به دو دولت مستقل عرب و یهود پذیرفت و با این قطعنامه، قیومیت انگلیس در فلسطین، پایان می یافت و قوای انگلیس، می بایست هر چه زودتر خاک فلسطین را ترک می کردند. بدین ترتیب، تبلیغات ماهرانه "آژانس یهود" و نفوذ صهیونیستهای آمریکایی، باعث شد تا مجمع عمومی، در یکی از نخستین تصمیم گیریهای مهم خود، برخلاف حق و انصاف و روح منشور این نهاد بین المللی، رفتار نماید. (۱۹)

یهودیهها، بلافاصله دست به کار شدند تا زمینه های تأسیس دولت مستقل را فراهم کنند. آنان با فعالیتهای گسترده خود و پشتیبانیهای بسیار حیاتی آمریکا، انگلیس و صهیونیسم جهانی، امکانات و زمینه های لازم را فراهم و سرانجام در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ش.، تأسیس دولت اسرائیل را اعلام کردند. دولتهای عربی، بی درنگ به یهودیان یورش بردند. ولی چند ماه بعد شکست خوردند. (۲۰) در سال ۱۹۴۹م.، قراردادهای متارکه جنگ بین اسرائیل و هریک از کشورهای مصر، سوریه، لبنان و اردن به امضا رسید و بدین ترتیب، دولت اسرائیل مستقر گشت.

پس از اعلام رسمی تشکیل اسرائیل نیز، گزارش عباس صیقل (مأمور رسیدگی به امور اتباع ایران در فلسطین، و سر کنسول شاهنشاهی ایران در فلسطین و شرق اردن) به وزارت امور خارجه کشورمان در دهم شهریور ۱۳۲۸ش.، حکایت از استمرار دخالت مستقیم آمریکا و انگلیس، در تصرف سرزمین فلسطینیها به دست اسرائیل دارد و حتی این کشورها، سرزمینهای اشغالی فلسطین را برای حفظ دفاعی خود، در برابر روسیه به کار گرفتند. چنانکه در این گزارش آمده است، صحرای جنوب فلسطین موسوم به "القب" - که در آن زمان در دست نیروهای اسرائیل بوده و منتهی به خلیج عقبه می گردید - مورد توجه فرماندهی نیروی آمریکا قرار گرفته و به دلیل اهمیت سوق الجیشی آن منطقه، به خاطر خطوط دفاعی مشترک آمریکا و انگلیس، در مقابل تجاوز روسیه، از اسرائیل خواسته شده بود از قسمت جنوبی القب فلسطین صرف نظر کند و آن را به دولتهای آمریکا و انگلیس واگذار کند تا در عوض آن، قسمتی از خاک الخلیل غربی را - که در آن زمان در اختیار اعراب فلسطینی بوده - به سرزمین اسرائیل ملحق گردانند. (۲۱)

با تأسیس دولت اسرائیل و بروز مناقشات اعراب و اسرائیل، بر مشکلات مهاجران یهودی افزوده گشت؛ به طوری که بسیاری از آنان، خواستار بازگشت به کشورهایشان شدند؛ لیکن دولت اسرائیل، بشدت از خروج یهودیان از سرزمینهای اشغالی ممانعت می کرد. چنانکه در نامه جمعی از کلیمیان کوچیده ایرانی به فلسطین اشغالی به مجلس شورای ملی کشورمان در دهم اسفند ۱۳۳۱ش.، آمده است که چندین هزار ایرانی را طی سالیان متمادی به عنوان گوناگون (عراقی یا کردی) و با ترفندهای مختلف، به عنوان معالجه بیماری، سرزدن به اقوام، گردش، زیارت و... به فلسطین اشغالی برده اند و سپس آنان را وادار به اقامت اجباری و کار کردن در آن سرزمین کرده اند و با وجودی که همگی آنان، خواهان بازگشت به سرزمین و میهن اصلی خود بوده اند، از بازگشتشان جلوگیری به عمل آورده اند. این مهاجران، خود را زندانیان در حصار سرزمینهای اشغالی فلسطین می خواندند و از دولت ایران استمداد طلبیده، خواهان اقدام برای بازگشتشان بودند. (۲۲) این سند، نشانگر آن است که چنانچه مرزهای اسرائیل گشوده شود، شمار بسیاری از یهودیان

در همین دوران، برپایه اسناد موجود، شماری از کلیمیان - که موفق به خروج از سرزمینهای اشغالی شده بودند - به ایران آمدند و در قسمتهای جنوبی کشور، در استانهای بوشهر و خوزستان اقامت گزیدند و از دولت ایران نیز مساعدت طلبیدند. (۲۳)

همزمان با او جگیری مخالفتهای مردمی، دولتمردان رژیم پهلوی دوم، در فکر ایجاد روابط با اسرائیل بودند. چنانکه علی اصغر حکمت، وزیر امور خارجه وقت، در ۲۴ آبان ۱۳۲۸ ش.، طی نامه ای به عباس صیقل، سرکنسولگری شاهنشاهی ایران در فلسطین، شروع مذاکره دولت ایران را با اسرائیل، برای بستن قرارداد مودت و بازرگانی قبل از شناسایی دولت اسرائیل، مناسب ارزیابی نکرده و موضوع تجارت فیما بین ایران و اسرائیل راه موکول به زمانی دانسته که ایران، اسرائیل را به رسمیت شناخته باشد. (۲۴)

از سال ۱۹۴۸م. تا ۱۹۵۰م. رفتار دولت ایران درباره منازعه اعراب و اسرائیل، مبهم و دوپهلوی بود؛ اما در اسفند ۱۳۲۸ ش.، دولت شاهنشاهی ایران، اسرائیل را به صورت دو فاکتور (بالفعل و عملی)، به رسمیت شناخت و به رفتار ابهام آمیز خود پایان داد. (۲۵)

با این اقدام شاه، در به رسمیت شناختن دولت اسرائیل و ایجاد رابطه، علما و روحانیت ساکت نماندند و در برابر اقدامات سرکوبگرانه صهیونیسم، موضع گیری کردند. در خرداد ماه ۱۳۲۷ ش.، حضرت آیت الله بروجردی، در خصوص مسائل فلسطین، بیانه ای صادر کرد و تأسف و تأثر عمیق خودشان را از کشتار مسلمانان فلسطینی به دست یهودیان - که چهارده قرن زیر پرچم اسلام، جان و مال و دینشان، محفوظ و محترم بوده و از خدمات اسلام برخوردار بوده اند - اعلام کرد و از خداوند، نابودی یهودیان را - که خونهای پاک مسلمانان را ریخته و خانه ها و عبادتگاههای آنان را تخریب ساختند - خواستار شد. (۲۶)

حضرت آیت الله بهبهانی نیز، به خاطر تعدیهای یهودیان به فلسطین، تلگرافی به پاپ اعظم در واتیکان ارسال کرد و تأثر عمیق خود را از خبرهای اسف انگیز فلسطین، اعلام و از همراهی و پشتیبانی مسیحیان از یهودیان فلسطین و به رسمیت شناختن دولت اسرائیل، ابراز تنفر کرد. وی، از پاپ خواست تا به ملل مسیحی یاد آور شود که از حمایت یهود دست بردارند و به جان و مال مسلمانان تعدی نکنند و عوطف میلیونها مسلمان را تحریک نسازند. (۲۷)

نماینده پاپ اعظم در تهران، در پاسخ نامه آیت الله بهبهانی نوشت: **پاپ، از قضایای فلسطین خیلی متأثر است و در دهم اردیبهشت ماه، به کلیه کاتولیکهای دنیا دستور داده است که دعا کنند که قضیه فلسطین، منجر به خونریزی نشود و صلح و صفا را در فلسطین، از خدا بخواهند.** (۲۸)

در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۲۷ ش.، میتینگ بزرگی به رهبری آیت الله کاشانی و نواب صفوی، علیه یهود و صهیونیسم در مسجد سلطانی تهران برگزار شد و در آن اجتماع عظیم، هزاران نفر از اقشار مختلف مردم، شرکت داشتند که پس از شهریور ۱۳۲۹ ش. تا آن روز، چنین اجتماعی در کشور سابقه نداشت. مردم، آنگاه با تظاهرات گسترده ای در خیابانهای شهر تهران، علیه یهود و به نفع اعراب شعار دادند. این تظاهرات، آنچنان با اهمیت بود که به مدت دو ساعت مراسم فوق از رادیو یخش شد. (۲۹)

آیت الله کاشانی، با سخنرانی در این مراسم، ضمن برشمردن دستورات

اسلام در مورد حمایت و دستگیری از برادران ایمانی در حفظ شئون اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی و نیز پیروزیهای مسلمانان در صدر اسلام و تسخیر اروپا تا اسپانیا، به تشریح عملکرد دول استعماری در تحقیر ملل مسلمان پرداخت و گفت: اسلام، حدود و ثغوری برای مسلمانان تعیین نکرده و نقطه یا سرزمین معینی را برای آنها و وطن قرار نداده است و همه مناطق و ممالک اسلامی، وطن آنان است و بر مسلمانان لازم دانسته که اگر چنانچه برای برادران مسلمان، مشکل و مشقتی پیش آید، بکوشند و به کمک یکدیگر، رفع نگرانی از بلاد مسلمین نمایند. آیت الله کاشانی، بدین وسیله ملت مسلمان ایران را متوجه حساسیت قضیه فلسطین کرد و ضمن دعوت به همبستگی مسلمانان و رفع اختلافات، در خصوص مسئله فلسطین، چنین گفت:

“چنانچه در اخبار روزانه مشاهده کرده اید، بعضی دول، بدون مجوز قانونی فلسطین را که از مراکز مقدسه اسلام و محل مسجد اقصا که قبله اول مسلمین می باشد و سالیان دراز وطن و مسکن مسلمانان به شمار می رفت و بر آن حکومت می کردند و در طی صدها سال، جنگهای خونین صلیبی و دادن میلیونها کشته، نتوانسته اند این سرزمین مقدس را از جنگال مسلمین به در آورند، وطن یهودیانی که از نقاط مختلفه عالم به آنجا مهاجرت کرده، شناخته اند؛ در صورتی که حکومت اسلام از قدیم الایام بر فلسطین، حقی ثابت است و مسلمین دنیا بخصوص ملت ایران، چنین اجازه ای را نمی دهند که متجاسرین یهود - که ذلیل ترین ملل عالمند - به این حق ثابت، دست تعدی دراز نموده، و با جنگالهای آلوده به فساد و ظالمانه خود، خانمان برادران مسلمان ما را درهم ریخته و خون آنان را بی رحمانه بریزند.” (۳۰)

در پایان این میتینگ، امیر عبدالله کرباسچیان، مدیر روزنامه نبرد ملت، قطعنامه ای در حضور یکصد هزار نفر شرکت کننده در مسجد سلطانی تهران، قرائت کرد و آمادگی حاضران را برای کمک به مردم فلسطین اعلام داشت. در این قطعنامه، تنفر ملت مسلمان ایران از دسایس خائنانه ضد اسلام دولتهای استعماری غربی، علیه مسلمانان فلسطین، اعلام گردید و از مجلس شورای ملی و دولت خواسته شد تا در حدود وظایف اسلامی و قانونی خود، از مساعدت و همکاری با مسلمانان فلسطین، کوتاهی نکنند. فدائیان اسلام نیز در این میتینگ به نام نویسی داوطلبان شرکت در جنگ فلسطین و اسرائیل پرداختند و هزاران نفر پس از ثبت نام، آمادگی خود را برای حضور در جبهه های جنگ با اسرائیل، اعلام داشتند؛ لیکن دولت از عزیمت آنان به فلسطین، ممانعت به عمل آورد. (۳۱) متعاقب آن، فدائیان اسلام، اعلامیه ای صادر کردند و خواستار موافقت دولت با اعزام داوطلبان به فلسطین شدند. متن اعلامیه نواب صفوی چنین است:

“هو العزیز

نصر من الله و فتح قریب

خونهای پاک فدائیان اسلام در حمایت از برادران مسلمان فلسطین، می جوشد. پنج هزار نفر از فدائیان رشید اسلام، عازم کمک به برادران فلسطینی هستند و با کمال شتاب، از دولت ایران، اجازه حرکت سریع به سوی فلسطین را می خواهند و منتظر پاسخ سریع دولت می باشند.

از طرف فدائیان اسلام -

سید مجتبی نواب صفوی (۳۲)

دولت ایران، از آن نظر با اعزام داوطلبان به فلسطین مخالفت کرد که خود همسوی عرب بود و پیش از تشکیل دولت یهود در فلسطین، افرادی چون سید ضیاء الدین طباطبایی را به کمک صهیونیستها فرستاد. سید ضیا - که در اواخر حکومت رضاشاه، علی الظاهر به فلسطین تبعید شده بود - مأموریتش خرید سرزمینهای اعراب فلسطینی و فروش آنها به یهودیان بوده است.

نواب صفوی نیز، از آن رو در راه نجات فلسطین گام نهاد که خود به فلسطین عشق می ورزید و فلسطین را کانون توحید و سرزمین ابراهیم خلیل می دانست. به نظر نواب، تمام نیروهای اسلامی می بایست برای پاکسازی فلسطین از لووث و وجود ناپاکان، بسیج می شد و تحت یک فرماندهی صالح، سرزمین انبیا و وحی الهی از بازیهای سیاسی و وجود اجانب صهیونیست، پاک می شد. او معتقد بود که آنجا سرزمین وحی است و در آن سرزمین، رسولان خدا آرمیده اند. باید آنجا را به عبادت و بندگی خدا اختصاص داد. باید فلسطین را از ظلم و ستم و فساد، پاک و آسوده گردانید. وی می گفت: هرگز با تکیه ملی گرایی عرب، نمی توان فلسطین را نجات داد؛ بلکه باید با شعار امت اسلام، آنجا را آزاد نمود. او راه نجات فلسطین را، روح ایثار و شهادت می دانست. به نظر نواب، صهیونیسم، خطرناک ترین دشمن اسلام و بشریت بوده و باید با یهود، به همانگونه که رسول گرامی اسلام (ص) سفارش کرده است، عمل نمود. (۳۳)

به هر حال، علاوه بر مخالفتهای عمومی، میتینگ نیز در محل اتحادیه مسلمین، با حضور آیت الله بهبهانی و وزرای مختار و کاردارهای سفارتخانه های دول خارجی، تشکیل و با سخنرانی دکتر موسی حکمت و نیز قرائت بیانیه اتحادیه به وسیله نصرت الله نوریانی، مدیر روزنامه آئین اسلام، حمایت کامل خود را از مردم مسلمان فلسطین ابراز داشتند. در این میتینگ، اعلام شد که تعداد دو هزار نفر برای شرکت در نبرد فلسطین و اسرائیل، در این اتحادیه نام نویسی کرده اند. (۳۴)

همچنین در شهرهای مختلف کشور، اجتماعات گسترده ای در این زمینه برپا می شد. از جمله در شهر فسا، مسجد جامع این شهر، محل اجتماعات ضد اسرائیلی بود. سید صدرالدین فال اسیری، برادر آیت الله سید حسام فال اسیری، سخنرانی جامعی در میان مردم این شهر، در اطراف قضیه ناگوار فلسطین و عملیات نامطلوب و فجایع یهودیان نسبت به مسلمانان، ایراد و اذهان عمومی و جامعه اسلامی ایران را به همدردی با ملت اسلامی فلسطین فراخواند. (۳۵)

در اهواز، آبادان و دزفول نیز، اعلاناتی منتشر و مردم را به نام نویسی برای شرکت در جنگ اعراب و یهودیان فلسطینی، در دفاتری که از طرف حاج سیدعلی کمالی گشوده شده بود، دعوت نمودند. در بیانیه حضرت آیت الله حاج سیدعلی کمالی، آمده بود:

"جوانان مسلمان خوزستان ... می دانید که خطر صهیونیسم در فلسطین، کاملاً با مسلمانان روپرو شده و روزی نیست که خونهای پاک مسلمین، در این سرزمین - که قلب ممالک اسلامی است - ریخته نشود. اکنون امتحان بزرگی برای مسلمانان جهان پیش آمده است و باید ایمان اشخاص در این رستاخیز بزرگ، معلوم گردد و



سید مجتبی نواب صفوی، رهبر فدائیان اسلام

می دانید که در تهران، داوطلبانی برای کمک به مجاهدین اسلامی، آماده شده و از دولت وقت تسهیلاتی خواسته اند. به پیروی از این مرام مقدس، دفتر نام نویسی (مطب آقای دکتر حکیم شوشتری) در اهواز، زیر نظر حضرت آیت الله آقای حاج سیدعلی کمالی، آماده شده است و بدین وسیله از عموم مسلمانان و مخصوصاً جوانان مسلمان خوزستانی، دعوت می شود که برای تشریک در اعانه مالی و مجاهده سربازی، در این دفتر نام خود را ثبت نمایند تا موقعی که دولت وقت تصمیم خود را دائر به تسهیلات لازمه اتخاذ و اعلام نماید، نامبردگان برای انجام تمهیدات خود، آماده باشند. (۳۶)

در شهر ملایر، فوق العاده های روزنامه دنیای اسلام، مبنی بر بیانیه آیات عظام بروجردی و بهبهانی، چاپ و منتشر گردید. (۳۷)

سید محمدباقر دستغیب نیز، در مسجد وکیل شیراز به منبر رفت و ضمن حمایت از مردم فلسطین، از ملت مسلمان ایران خواست تا با ارسال تلگراف به دولتهای آمریکا و انگلیس، اظهار تفر خود را نسبت به قضیه فلسطین و جنگ یهودیها، اعلام کنند. (۳۸)

با وجود تمامی مخالفت‌های عمومی ملت ایران، پس از شناسایی اسرائیل توسط دولت ایران، سرکنسولگری ایران در بیت المقدس، مشغول به کار گردید و بدون توجه به اعتراضات علما و مراجع و ملت مسلمان ایران، به همکاری خود با اسرائیل ادامه داد. ولی بیش از یک سال بعد، در زمان دولت دکتر مصدق، به دلیل حرکت‌های ضد استعماری و حمایت از ناسیونالیسم غربی در ایران، اعتراضاتی از جانب نمایندگان مجلس به این امر صورت گرفت و پیگیری ماجرا، موجب تعطیلی کنسولگری ایران در بیت المقدس شد و رسیدگی به امور این کنسولگری، به کشور عمان واگذار گردید. لیکن با سقوط دولت ملی و متعاقب کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. و قدرت یابی محمدرضا شاه،

بتدریج مجدداً مناسبات ایران و اسرائیل برقرار شد و رو به گسترش نهاد و فرایند این همکاریها، به روابط رژیم پهلوی با دولت اسرائیل در حوزه‌های نظامی، اطلاعاتی و زمینه‌های دیگر انجامید. (۳۹) در واقع، آغاز روابط راهبردی ایران و اسرائیل، به دنبال اعلام دکترین آیزنهاور، رئیس جمهور آمریکا صورت گرفت.

بنابر گزارش سرهنگ فولادوند، رئیس امور مرزبانی کشور، به ریاست بازرسی نخست وزیری، در شانزدهم شهریور ۱۳۳۰ ش.، در این زمان یهودیان بدون گذرنامه از مرزهای کشور عبور و جواهرات و فلزات گرانبها را از کشور خارج می‌ساختند. (۴۰) همچنین آژانس یهود هم که در ایران آزادانه فعالیت می‌کرده - تلاش خود را برای ترتیب اعزام کلیمیان ایران به فلسطین، متمرکز ساخته بود و با ثبت نام و آماده سازی مقدمات مهاجرت، آنان را به فلسطین اشغالی اعزام می‌کرد. دولت ایران هم مخالفتی با فعالیت آژانس یهود در کشور مان نداشت و تنها برای مهار مخالفت‌های عمومی علما و ملت ایران، سپهد نصیری رئیس شهربانی کشور، از آژانس یهود و کلیمیان خواست تا کار مهاجرت یهودیان را از ایران به فلسطین بدون ایجاد سر و صدا و تبلیغات انجام دهند. (۴۱) روزنامه "الاهرام" نیز، گزارشی از خریداری اسلحه قاچاق توسط یهودیان در جنوب ایران و حمل آن به فلسطین اشغالی، درج کرد. (۴۲)

همزمان با همکاری‌های رژیم پهلوی با آژانس یهود در ایران و ارتباطش با اسرائیل، مردم مسلمان کشور در شهرهای مختلف، به تظاهرات و اعتراضات عمومی پرداختند. بنابر گزارش سال ۱۳۳۷ ش. شهربانی کل کشور در کرمانشاه، مردم با برپایی تجمعات و پخش بیانه‌هایی علیه یهودیها، اقداماتی گسترده انجام دادند و در مجالس مذهبی و انجمنهای ضد مسکرات، به عنوان

آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی



سخنرانی و روضه خوانی در اطراف مناسبات دین اسلام با سایر ادیان سخن گفته، انزجار خود را از اعمال جهودهای متجاوز به فلسطینها اعلام و همدردی خود را با اعراب مسلمان فلسطین، اظهار داشتند. در تهران نیز آیت الله کاشانی، فدائیان اسلام، مسعودی نماینده مجلس، مجله آیین اسلام و چند روزنامه دیگر، به نفع مسلمانان فلسطینی فعالیت می‌کردند و بیانه‌های آیت الله بروجرودی، آیت الله کاشانی، آیت الله بهبهانی و دیگر علما هم در حمایت از ملت فلسطین، در شهرهای مختلف کشور پخش می‌شد. شهربانی نیز، در همه شهرها مراقب عملیات مردم و علما بود و آنان را از اعمال ضد صهیونیستی و ضد یهود، بازمی‌داشت. (۴۳)

به رغم اعتراضات گسترده اقشار مختلف جامعه، ملاحظه اسناد به جای مانده، نشان از روابط گرم حکومت پهلوی با اسرائیل دارد. این روابط، به حدی صمیمانه بود که برای نمونه در سال ۱۳۳۸ ش.، مؤسسه آژانس یهود در ایران، مقداری از محصولات توت فرنگی اسرائیل را - که به وسیله شرکت هواپیمایی اسرائیلی "العال" به تهران منتقل شده بود - به اردشیر زاهدی، سفیر کبیر ایران اهدا کرد. اسناد دیگری نیز از پیام تبریک محمدرضا شاه به مناسبت انتخاب اسحاق ناون، به عنوان رئیس جمهور منتخب اسرائیل و دریافت پاسخ رئیس جمهوری اسرائیل، حکایت دارد. (۴۴)

آنچه مسلم است، مناسبات ایران و اسرائیل، یکی از مهم ترین مسائلی بود که بر نارضایتی مردم از رژیم پهلوی دامن زد و به همین جهت، سهم زیادی در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرد. از آنجا که جامعه ایران، جامعه‌ای مذهبی و مسلمان بود، نسبت به چنین مناسباتی، حساسیت ویژه‌ای داشت. از این روی، رژیم شاه سعی می‌کرد که حتی الامکان این مناسبات، حالتی مخفیانه داشته باشد. اما، چگونگی روابط ایران و اسرائیل، از دید تیربین مردم ایران

پنهان نماند و هر لحظه که زوایای این روابط مکشوف می‌شد، به تنفر ایرانیان از رژیم پهلوی می‌افزود.

عوامل مؤثر در گسترش ارتباطات رژیم پهلوی و دولت اسرائیل، در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تحلیل پذیر است. به لحاظ داخلی، هر دو کشور ایران و اسرائیل، دارای مشکلاتی بودند که روابط دو کشور می‌توانست تا حدودی به حل این مشکلات کمک کند؛ از یک طرف رژیم حاکم بر ایران، از مشروعیت مردمی برخوردار نبود و به همین دلیل، تمایل به استفاده از روشهای پلیسی، برای تداوم حاکمیت خود داشت که تجربیات اسرائیل در استفاده از این روشها، به رژیم پهلوی کمک می‌کرد. از طرف دیگر، اسرائیل می‌توانست از داشتن رابطه حسنه با ایران بهره‌برد؛ زیرا چنین رابطه‌ای، به این کشور کمک می‌کرد تا اولاً، نیازهای خود، بویژه نفت را تأمین نماید و ثانیاً، از طریق ایران، مهاجرت یهودیان به اسرائیل، با تسهیلات بیش تری صورت پذیرد.

علاوه بر مسائل داخلی، در بعد منطقه‌ای نیز حمایت آشکار و پنهان ایران از اسرائیل، موجب دشمنی اعراب منطقه با ایران شده بود و در نهایت به لحاظ بین‌المللی، دو کشور ایران و اسرائیل، در اوج جنگ سرد و اختلافات ایدئولوژیک دو ابر قدرت، عملاً به بلوک غرب و سرمایه داری بین‌المللی وابسته شده بودند که در رأس آن، آمریکا قرار داشت. بنابراین، دو کشور، سیاست خارجی خود را طوری تنظیم می‌کردند که اهداف بلوک غرب بویژه آمریکا، برآورده گردد.

با چنین رویکردی، از اوایل دهه چهل، رژیم پهلوی برای اینکه روابطش با اسرائیل دوام بیاورد، از علنی شدن آن جداً پرهیز می‌کرد. زیرا در این برهه، حرکات مذهبی با هدایت رهبران دینی، ثبات رژیم را دستخوش ناآرامی کرده بود. علنی شدن مناسبات ایران با اسرائیل، می‌توانست از این ناحیه، ضربه سختی به آن بزند. خصوصاً اینکه این روابط پنهانی، پیوسته از سوی حضرت امام خمینی (ره)، مورد سرزنش قرار می‌گرفت. (۲۵)

در این مقطع، به دلیل بی‌ثباتی کشور و حرکتهای مذهبی مردم، بویژه اندیشه‌های امام خمینی (ره) و آغاز فعالیت‌های سیاسی و ضد رژیم ایشان - که منجر به قیام و واقعه عظیم پانزده خرداد ۱۳۴۲ش. شد - روابط دو جانبه ایران و اسرائیل و مثلث اتحاد استراتژیک آمریکا، ایران و اسرائیل، با چالش عظیمی مواجه گردید و باعث شد، مناسبات دو جانبه ایران و اسرائیل هر چه بیش تر به خفا گراییده، محرمانه شدن این روابط، به خصیصه اصلی آن تبدیل شود. در همین دوره بود که امام خمینی (ره)، با ورود خود به عالم سیاست عملی، اسرائیل را در کنار آمریکا قرار داد و به افشاگری این رابطه پرداخت. شاه را اسرائیلی معرفی کرد و در تمامی نطقها و سخنرانیهای خود، به نحوی از انحا، به اسرائیل و نفوذش در ایران و کشورهای اسلامی اشاره کرد و با این اقدامات، نشان داد که نیروی مذهبی در ایران، سخت در مقابل اسرائیل و صهیونیسم قد علم کرده، و وظیفه خود می‌داند که از هیچ عملی در برابر آن رژیم، دریغ نرزد.

تقابل حضرت امام خمینی (ره) با شاه و حملاتش به اسرائیل، به حدی بود که رژیم پهلوی در محرم ۱۳۴۲ش.، از گویندگان و سخنرانان مذهبی خواست تا در مناظر از سه موضوع سخن نگویند که یکی از آنها، اسرائیل بود. از این روی، امام خمینی (ره) در نطق عصر عاشورای ۱۳۴۲ش. و در بحبوحه قیام پانزدهم خرداد، حملات کوبنده‌ای به اسرائیل و شاه کرد و گفت:

“... اسرائیل، نمی‌خواهد در این مملکت علمای اسلام باشند. اسرائیل، نمی‌خواهد در این مملکت دانشمندان باشد. اسرائیل، به دست عمال سیاه خود، مدرسه فیضیه را کوبید؛ ما را می‌کوبید؛ شما ملت را می‌کوبید. می‌خواهد اقتصاد شما را قبضه کند؛ می‌خواهد تجارت و زراعت شما را از بین ببرد؛ می‌خواهد ثروتها را تصاحب کند. اسرائیل می‌خواهد به دست عمال خود، آن چیزهایی را که مانع هستند، آن چیزهایی را که سد هستند، از سر راه بردارد. قرآن، سد راه است، باید برداشته شود. روحانیت، سد راه است، باید شکسته شود. مدرسه فیضیه و دیگر مراکز علم و دانش سد راه است، باید خراب شود. طلاب علوم دینی ممکن است بعدها سد راه شوند، باید شکسته شوند؛ از پشت بام پرت شوند. باید سر و دست آنها شکسته شود. برای اینکه اسرائیل به منافع خودش برسد. دولت ایران به تبعیت از اغراض و نقشه‌های اسرائیلی، به ما اهانت کرده و می‌کند... و باز هم به دنبال این هستند که منافع این کشور را به جیب خود و اسرائیل برسانند. مفتخور نیستند؟ باید دنیا قضاوت کند؛ باید ملت قضاوت کند که مفتخور کیست؟... نصیحت مرا بشنو؛ از روحانیت بشنو؛ از علمای اسلام بشنو؛ اینها صلاح ملت را می‌خواهند. اینها صلاح مملکت را می‌خواهند. از اسرائیل نشنو؛ اسرائیل به درد تو نمی‌خورد... اگر ما نگوییم شاه چنین و چنان است، آیا منظور نیست؟ اگر ما نگوییم اسرائیل برای اسلام و مسلمین خطرناک است، آیا خطرناک نیست؟ و اصولاً چه ارتباطی و تناسبی بین شاه و اسرائیل است که سازمان امنیت می‌گوید؛ از شاه صحبت نکنید و از اسرائیل نیز صحبت نکنید؟ آیا به نظر سازمان امنیت، شاه اسرائیلی است؟ آیا به نظر سازمان امنیت، شاه یهودی است؟” (۲۶)

حضرت امام خمینی (ره)، از روزی که مبارزه خود را در سال ۱۳۴۰ش. علیه رژیم شاهنشاهی آغاز کرد تا پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن نیز، به مناسبت‌های گوناگون، پیوسته نوک پیکان حملات خود را در بعد خارجی و منطقه‌ای، متوجه اسرائیل ساخته بود. به همین دلیل، مردم ایران نیز به تبعیت از رهبر خود، در راهپیماییها و تظاهرات دوران انقلاب، همواره علیه اسرائیل شعار می‌دادند و خواستار قطع روابط ایران و اسرائیل بودند. چنانکه برای نمونه، در یکی از گزارشهای مربوط به تظاهرات ملت مسلمان ایران در جریان انقلاب اسلامی، آمده است که شهرهای ایران شاهد اعتصابات و تظاهراتی علیه آمریکا است. این تظاهرات به طرفداری از حضرت امام خمینی (ره) و مردم فلسطین برپا شده و تظاهرکنندگان در تهران، پرچم‌های ایران و فلسطین و تصاویر امام خمینی (ره) را در دست داشته و علیه آمریکا و صهیونیسم، شعار دادند. این تظاهرات، از دانشگاه تهران آغاز شد و تا سفارت فلسطین ادامه داشته و ضمن به آتش کشیدن پرچم اسرائیل، سخنگوی تظاهرکنندگان گفته است:

“از اینجا که پرچم آزادی و انقلاب فلسطین را بلند کرده‌اید و زمانی پایگاه صهیونیسم، امپریالیسم و شاه بود، به نام فلسطین حرف می‌زنیم. تظاهرات شما، اعتراض به کسانی است که هنوز هم به آمریکا تکیه دارند. اینها گمان بپوش کرده‌اند و روزی از طرف ملت‌های انقلابی خود، طرد می‌شوند. اینها مسیر تاریخ را نشناخته‌اند.” (۲۷)

چنین تظاهراتی، در دیگر شهرهای کشور نیز برپا گشته بود و تظاهرکنندگان از رهبر انقلاب حضرت امام خمینی (ره)، تمجید و در حمایت از ایشان و ملت فلسطین و علیه امپریالیزم و صهیونیسم، شعار می دادند. بر روی یکی از پلاکاردها نوشته شده بود:

توره، توره حتی النصر؛ امام خمینی و ابوعمار حتی النصر.^{۴۸}

تظاهرکنندگان، عکسهای امام خمینی (ره) و ابوعمار را بلند کرده و پرچم

آمریکا و اسرائیل و همچنین عکسهای کارتر و بگین را آتش زدند. (۴۸)

سرانجام، با رهبری حضرت امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی ملت مسلمان ایران در سال ۱۳۵۷ش. و با فروپاشی نظام پادشاهی در ایران، سفارت اسرائیل تعطیل و در اختیار فلسطینیها قرار گرفت و دیپلماتهای اسرائیلی، ایران را ترک کردند و بدین گونه روابط ایران و اسرائیل قطع و از آن پس جمهوری اسلامی ایران، اسرائیل را به رسمیت نشناخت.

سند شماره ۱

تلگراف حضرت آیت الله سید محمد بهبهانی به پاپ اعظم، در خصوص حمایت از ملت فلسطین

جناب قدسی خطاب پاپ اعظم - واتیکان

بسم الله الرحمن الرحيم

لتجدن اشد الناس عداوة للذين آمنوا اليهود والذين اشرکوا ولتجدن اقربهم مودة للذين آمنوا الذين قالوا انا نصارى ذلك بان منهم قسيسين ورهبانا وانهم لا يستکبرون [سورة مائده، آیه ۸۶]

خبرهای اسف انگیز فلسطین، در محافل روحانی و ملی کشور ایران، تأثیرات عمیقی کرده و نظر مراکز حساس روحانیت را به خود جلب نموده است. فتنه انگیزی و ماجراجویی جمعیت لجاج و حریص یهود، چندان موجب تعجب نیست؛ زیرا سوابق سوء آنها روی تاریخ بشریت را سیاه کرده است و به حکم قضاوت تاریخ، باید این جمعیت را، دشمن نوع بشر دانست. تنها چیزی که مایه تعجب و تحیر بسیار است، پشتیبانی پاره ای ملل مسیحی از آنها و به رسمیت شناختن دولت پوشالی اسرائیلی است. همان مردمی که قلب عیسی مسیح را در آسمان رفعت، جریحه دار کردند. همان جمعیتی که مریم صدیقه را به ناسزا و بی ادبی یاد کرد. همان افرادی که امروز هم در محافل مذهبی آنها، مریم پاک را به خلاف عفت یاد می کنند. این ضربتهای جگر خراش معنوی است که از این یک مشت جهود عنود، به مذهب عیسوی وارد شد. در مقابل، تنها کسی که به مخالفت آنها برخاست، پیغمبر بزرگ اسلام (ص) بود که کتاب آسمانی خود را در دست گرفت و به جهانیان، اعلان عظمت مسیح و عصمت مریم صدیقه را نمود. آری، اسلام در مقابل جمعیت یهود، قیام کرد و دامن عفت مادر مسیح را از لوث ناسزاهای آنها تنزیه نمود و یک سوره در شأن مریم و عظمت او، برای جهانیان و به رسوایی یهود، از منبع وحی دریافت نمود. اکنون ملت نصارا، جبران خوبیهای اسلام را بدین نحوه می نمایند و با دشمنان عیسی مسیح، دست برادری می دهد و بر علیه مسلمین و اسلام، قیام و اقدام می کند.

این است پاداش ملت نصارا، در مقابل خدمت اسلام به مسیح و مریم صدیقه؟ باز، اینقدرها تعجب و تأثر ندارد که بعضی رجال سیاسی، دست دوستی و برادری به دشمن عیسی و مادر معصومه اش بدهند؛ لیکن در محافل مذهبی و ملی مسلمین، یک نکته با کمال تعجب تلقی می شود و آن نکته، این است که چه شده است که محافل روحانی مسیحیت، به جای آنکه دولتهایی را که با دشمنان مسیح دست دوستی داده و با آغوش باز آنها را پذیرفته اند، به خطای خود آگاه کند و ملل دیندار عیسوی را از خواب غفلت بیدار کند، به سکوت فرو رفته و وظیفه روحانی خود را انجام نمی دهد؟

اینکه، اینجانب از طرف عموم ملت اسلام، مخصوصاً پیروان و روحانیون مذهب مقدس شیعه ایران، تفر خود را از جمعیت متعدی یهود و کسانی که با آنها همراهی می نمایند، به تمام ممالک عالم و مخصوصاً به مقامات بزرگ روحانیت ملت مسیح اعلان می کنم و از خداوند متعال، نصرت مسلمین و خدایان متجاسرین را خواهانم.

در خاتمه، از مقام پاپ تقاضا دارم که به ملل مسیحی تذکر دهند که از این جمعیت یهود - که دست تعدی به جان و مال مسلمین مظلوم دراز کرده اند - پشتیبانی ننموده و عواطف چند صد میلیون مسلمین را برای خاطر یک مشت یهود فتنه جو، جریحه دار نمایند و البته این معنی، درخور مقام روحانیت پاپ - که همیشه رهبر و هادی ملت هستند - می باشد.

محمد الموسوی البهبهانی (۴۹)

سند شماره ۲

درخواست آیت الله سید محمد بهبهانی، مبنی بر اجازه نشر تلگرافهای واصله از علمای قم، درباره استعانت به مسلمین فلسطین، در جراید کشور

کابینه ریاست وزرا، نمره ۶۷۶۱، تاریخ ۱۳۱۲/۱۰/۷

دفتر محترم مخصوص شاهنشاهی

جناب آقا میرزا سید محمد بهبهانی، صورت تلگرافهایی را که علمای محترم قم، راجع به استعانت در امر مسلمین فلسطین از حضور مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی مخابره شده، برای بنده ارسال داشته، اظهار عقیده کرده اند که مناسب است این تلگرافها و تلگرافهای دیگری که شاید بعد برسد، در جراید انتشار یابد. متمنی است اگر خاطر مقدس همایونی - ارواحنا فداء - تصویب می فرمایند، اجازه آن را صادر فرمایند. (۵۰)

[امضا: عبدالحمید ملک الکلامی] ۱۳۱۲/۱۰/۷

سند شماره ۳

نامه آیت الله سید محمد بهبهانی، مبنی بر تقاضای انتشار تلگرافهای آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و علمای قم، در حمایت از مسلمین فلسطین، در جراید کشور

بسمه تعالی

به عرض عالی می رساند، با تقدیم عرض دعاگویی مصدع است. از طرف حضرت آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری و جمله ای از وجوه علمای اعلام قم - دامت برکاتهم - تلگرافاً راجع به فلسطین، نظلماتی به حضور مبارک اقدس شاهنشاهی - خلد الله سلطانه - شده است و صورتشان را مکرار آیت الله معظم، برای حقیر فرستاده اند، اینک تقدیم می شود و در صورتی که مقتضی بدانند، مقرر فرمایند در جراید نشر شود. شاید این چند روزه، از سایر ولایات هم قریب به همین مضامین، مخابراتی شود. به نظر قاصر حقیر، درج آنها در جراید بی مناسبت نیست. دیگر موکول به تصویب حضرت اشرف عالی است.

الاحقر محمد الموسوی بهبهانی

[حاشیه] به دفتر مخصوص نوشته شود که آقای بهبهانی، صورت تلگرافاتی را که از قم راجع به استعانت در امر مسلمین فلسطین، به حضور مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی مخابره شده، برای بنده ارسال داشته، اظهار عقیده کرده اند که مناسب است این تلگرافات و تلگرافات دیگری که شاید بعد برسد، در جراید انتشار یابد. متمنی است اگر خاطر مقدس همایونی تصویب می فرمایند، اجازه آن را صادر فرمایند. (۵۱)

سند شماره ۴

ابلاغ دستور شاه، در خصوص عدم انتشار تلگرافهای علما در حمایت از ملت فلسطین، در جراید کشور

دفتر مخصوص شاهنشاهی، نمره ۱۶۸۳، تاریخ ۱۳۱۲/۱۰/۱۰

ریاست جلیله وزرا - دامت شوکته

عطف به مرقومه نمره ۶۷۶۱، حسب الامر جهان مطاع مبارک شاهانه - ارواحنا فداء - ابلاغ می نماید، انتشار تلگرافات راجع به مسلمین فلسطین، در جراید مقتضی نیست.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی (۵۲)

[امضا: حسین شکوه]

سند شماره ۵

گزارشی از وزارت امور خارجه، مبنی بر اعلام نظرات دولت شاهنشاهی، در قبال اوضاع فلسطین و موضوع دعوت محمدعلی علویه پاشا، رئیس کمیسیون پارلمان مصر، از رئیس و نمایندگان مجلس شورای ملی، به منظور شرکت در کنگره مجالس ملی درباره فلسطین

وزارت امور خارجه

گزارش ۲۷۱۲ مورخ ۱۷/۶/۲۹

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

رونوشت از گزارش ۱۷/۶/۲۹، شماره ۱۵۴۰ سفارت شاهنشاهی در قاهره

به پیوست، رونوشت از نامه دارالانشای کنگره مجالس ملی درباره فلسطین، مورخ ۳۰ اوت ۱۹۳۸، خطاب به رئیس مجلس شورای ملی ایران، با ترجمه آن و یک نسخه از دعوتنامه نمایندگان مجالس ملی دولتهای عربی و اسلامی، در ۱۷ اکتبر در قاهره، تقدیم و مراتب زیر زحمت داده می شود.

وزارت امور خارجه، شرکت ریاست مجلس شورای ملی ایران یا نمایندگان مجلس را به طور رسمی در این کنگره - که از ممالک عربی و اسلامی مثل مصر، سوریه، لبنان، عراق و ماورای اردن و غیره تشکیل می شود - صلاح نمی داند و با اوضاع بیچ در بیچ امروز دنیا، به هیچ وجه مصلحت نیست دولت شاهنشاهی بدون داشتن نفع مستقیم و مسلم، خود را وارد در جریان زدوخوردهای بی مورد نموده، از مصالح حیاتی - که دارد و باید در این موقع، مخصوصاً به طور انحصار به آن مصالح و وظائف برسد - به این قبیل امور سرگرم شده، از اقداماتی که برای بهبودی و روشن کردن وضعیات سیاسی کشور لازم است به عمل آید، باز بماند. در عین حال، چون در گزارش سفارت اشاره شده: ... هر یک از نمایندگان مایل باشند که حتی به صفت شخصی در این اجتماع حضور به هم رسانند، از طرف رئیس مجلس یک کارت دعوت برای چنین نماینده ای صادر شود ... مقتضی است، برای مراعات نزاکت و جهت اسلامی کشور شاهنشاهی، موضوع از طرف ریاست مجلس، به طور علنی رسمی به اطلاع نمایندگان برسد؛ ولی توصیه هم بشود از شرکت خصوصی نیز خودداری کنند. آن وقت پاسخ گزارش سفارت از طرف وزارت خارجه به سفارت شاهنشاهی در قاهره صادر گردد که: ... دعوتنامه دارالانشا به اطلاع ریاست مجلس شورای ملی رسید. سفارت مأموریت دارد، پاسخ لازم [را] بدهد که [نمایندگان] مجلس شورای ملی شاهنشاهی از شرکت رسمی معذور هستند، ولی مراتب به آگاهی آقایان نمایندگان رسید، هر یک مایل باشند، شخصاً به طور خصوصی در کنگره شرکت نمایند. از وقایع فلسطین هم - که باعث کشتار و قتل نفوس و ناامنی شده - متأسف و امیدوار هستند مصادر مربوطه - که مؤثر در رفع این حوادث می باشند - هر چه زودتر به وسایل مسالمت آمیز هدایت و خاتمه به اوضاع اسف انگیز فعلی داده شود ... نظر وزارت خارجه هم در اینکه سفارت شاهنشاهی در قاهره پاسخ دارالانشا را بدهد که شاید حتی شفاهی هم باشد، این است که چون جواب منفی است، به مصالحی، عدم مشارکت مجلس شورای ملی در دفتر دارالانشا نداشته باشد. این قسمت هم توضیح داده شود که سیاست دولت شاهنشاهی در این مورد، با سیاست دولت عراق و مصر خصوصاً متفاوت است؛ زیرا دولتهای مصر و عراق، از نظر قومیت عربی و از این نظر که هنوز مذهب را در امور سیاسی و کشوری مداخله می دهند، می خواهند از این راه منافی را به کشور خود جلب کنند. البته شورش فلسطین و منازعه قومی عرب و یهود توجه خاصی داشته، میل دارند با مداخله، شاخصیت خودشان را در میان اعراب و مسلمین ثابت کنند. شاید انگلیسیها هم - چون این دول قرار دادهایی با آنها دارند - زیاد مخالف نباشند. عراق یا مصر نسبت به عرب یا اسلام هویت مخصوصی پیدا کنند. چون به هر صورت، شاید با آنها باشند؛ اما ایران که یک دولت مستقل و مختار در سیاست خارجی است و از چندی به این طرف هم سیاست مذهب را از امور دولتی و ملی خارج کرده و همینطور هم معرفی شده است، چه نفع دارد حالا رسماً وارد کشمکش فلسطین شود و سیاست عراق و تاناندازه ای مصر را دنبال نماید؟ به همین نظر، مقتضی هم نبود به مناسبت پیمان سعدآباد، مذاکره این مطلب از طرف ایران به دول هم بیمان گوشزد شود که قبلاً سیاست مشترک معلوم باشد. چونکه در آن موقع، البته عراق اصرار می ورزید، ترکیه هم که مشارکت نمی نمود، دولت ایران دچار محظور می شد. حالا اگر یکی دیگر از دول، بیمان مطلب را در ژنو بین دول پیمان سعدآباد عنوان کند، آن موضوع دیگری است و بدیهی است جناب آقای وزیر امور خارجه، در صورت چنین پیشامد، اطراف موضوع را گزارش می دهند و مراتب هم به استحضار دفتر مخصوص شاهنشاهی خواهد رسید.

خواهشمند است مراتب بالا را به شرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی برسانند و اقتضای رأی شاهانه را به وزارت امور خارجه، ابلاغ فرمایند، طبق آن رفتار شود. در صورتی که نظریه وزارت امور خارجه مورد تصویب واقع شود، اجازه خواهند فرمود رونوشتی از این نامه و نامه دارالانشا و یک نسخه از کارتهای دعوت برای جناب آقای رئیس مجلس شورای ملی، برای آگاهی ارسال شود. تلگراف هم جناب آقای وزیر امور خارجه را از کیفیت مستحضر دارد. چنانکه صحبتی در ژنو نسبت به این موضوع بشود، از نظر دولت شاهنشاهی آگاهی داشته باشند. در گزارش سفارت شاهنشاهی در قاهره - که رونوشت آن ضمیمه شد - اشاره به گزارش ۱۷/۵/۲۹ شماره ۱۳۹۱ نموده اند. مطالب این گزارش، ضمن نامه ۱۷/۶/۲۹ به دفتر مخصوص شاهنشاهی آگاهی داده شد.

سند شماره ۶

تأسیس شرکت سهامی در فلسطین، برای خرید زمینهای اعراب فلسطینی

اداره اول سیاسی، شماره ۲۸۳۱/۲۳۶۶۱، تاریخ ۱۳۲۵/۹/۳۰

وزارت امور خارجه

نخست وزیر

رونوشت گزارشی که طی شماره ۴۲۴۴ مورخ ۱۳۲۵/۹/۱۰، از سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد، راجع به تأسیس شرکت سهامی در فلسطین، برای خرید زمینهای اعراب فلسطینی به وزارت امور خارجه رسیده، جهت استحضار، به پیوست ایفاد می گردد.

کفیل وزیر امور خارجه

محمدعلی همایونجاه [امضا] (۵۴)

سند شماره ۷

ترجمه بیانیة آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی، راجع به فلسطین

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند، تو را در خوشیها و گرفتاریها ستایش می کنیم و سپاسگزاریم و به درگاه تو، از گرفتاریهای برادران پاکستانی و فلسطینی ما، شکایت می نمایم و این گرفتاریهای برادران فلسطینی ما، همان است که در کتاب کریم به ما خبر داده.
تجدد اشد الناس عداوة للذین آمنوا اليهود و الذین اشرکوا و لتجدن افریهم مودة للذین آمنوا الذین قالوا انا نصاری ذلك بان منهم قیسین و رهباناً و انهم لا یتکبرون. [سورة مائده، آیه ۸۶]

یعنی یهودیها و مشرکین، دشمن سختی هستند برای مسلمانها، ولی نصارا مهربان و دوست تر هستند، زیرا که نصارا، دانشمندان و کشیشان دارند و از حق سربچی نمی کنند. چقدر جای تأسف و تعجب است که کردار یهود، همان یهودی که چهارده قرن زیر پرچم اسلام، جان و مال و دینشان محفوظ و محترم بوده، اینک تلافی می کنند خدمات اسلام را به آنان، به کشتن مردمان نیکو کار و ریختن خونهای پاک نونهالان مسلمین، به اقسام کشتنهای، و هتک می نمایند عرض مسلمانان را، و خراب می کنند عبادتگاه و خانه های ایشان را، و رعایت نمی نمایند عهدها و پیمانها را. خدایا! از تو می خواهیم یاری مسلمانان را و از تو می خواهیم خدایان دشمنان آنها را. خداوند! آنها را ذلیل و خوار بدار و از برادران مسلمان ایران و سایر ممالک، انتظار داریم مجتمع شوند و در حق یهود نفرین نمایند و در حق برادران مسلمان مادعا کنند که در این میدان جنگ، فاتح و فیروز گردند. بار خدایا! شئون اسلام را در هر جا تأیید فرما و دشمنان آنان را ذلیل و خوار بدار و آنان را پراکنده بفرما و عذاب خود را از آنها دریغ مدار و درود فرست بر اشراف انبیا، حضرت محمد (ص) و خاندان برگزیده او. (۵۵)

سند شماره ۸

متن خطابه آیت الله کاشانی، در جمع شرکت کنندگان در میتینگ ضد یهود،

در مسجد شاه (سلطانی)، سال ۱۳۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم، والصلوة والسلام على فيه خلقه و اشراف انبيائه محمد و آله الطاهرين. السلام عليكم و رحمت الله و بركاته اعوذ بالله من الشيطان الرجيم؛ يا ايها الذين آمنوا استجيبوا لله و لرسول اذا دعاكم لما يحيبكم. [سورة انفال، آیه ۲۴]

به مضمون آیه شریفه، به جهت ادای وظیفه حتمیه از جانب حضرت ولی عصر - عجل الله فرجه - شمه ای از آنچه راجع به حیات و عظمت و سعادت و کامیابی دنیا و آخرت است، به عرض برادران ایمانی خود می‌رساند. دین مقدس اسلام - که ضامن سعادت دنیا و آخرت بشر است - به ما تکلیف فرموده که با یکدیگر به رأفت و مهربانی سلوک و رفتار نموده و برای حفظ شئون اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی، برادرانه پشتیبانی از هم بنماییم و به مبنای دین و آیین از خدای یگانه و قرآن و پیغمبر عظیم الشان و پیشوایان دین - سلام الله علیهم اجمعین - و معاد، ایمان کامل داشته باشیم. چنانچه در این آیه شریفه می‌فرماید:

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا و انتم مسلمون و اعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا. [سوره آل عمران، آیه های ۱۰۱ و ۱۰۲]

همین ایمان به خدا و قرآن، همین ایمان به رسول و مبنای دین و تعالیم عالیه و دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام بود که در صدر اسلام، روح یگانگی و برادری و برابری و شهادت را در مسلمین به حدی دمیده و تقویت نمود که از صحرای خشک عربستان، بیرق لا اله الا الله و محمد رسول الله را بر دوش بی‌آلایش خویش کشیده و بر قلب ملل عالم کوبیدند. از یک طرف، تمام آسیا را در مدت کمی تسخیر نموده و از عراق عرب و ایران و هندوستان گذشته، خود را به چین و به جزایر پراکنده اقیانوسیه رساندند و از طرف دیگر، به قلب اروپا و روم و اسپانیا نفوذ نموده و از طرفی شام و مصر و مراکش و الجزایر و سراسر آفریقای شمالی را مسخر نموده تا آنکه نزدیک پاریس، یعنی قلب کشور فرانسه تاختند و همه را در تحت سیطره خود در آورده و مطیع ساختند و در نتیجه همین ایمان به خدا و رسول و در سایه همان برادری و اتحاد و یگانگی و اتفاق بود که پشت بزرگ ترین امپراطوریهای جهان را به لرزه در آورده و بر سراسر دنیای متمدن آن زمان، تسلط یافته و تاج از سر آنها برداشته و باج گرفتند. متأسفانه، در نتیجه تحولات و پیدایش سیاستهای بوقلمونی جهان و بالخصوص بر روی کار آمدن حکومتهای جبار و تبهکار و نفوذ سیاست و مداخلات خانانانه و استقلال شکنانه شوم دول استعماری، زنجیر اتحاد و یگانگی و آن معنویت و برادری و برابری را که اسلام به دور خود کشیده و با نیروی ایمان، دانه های محکم آن را به هم متصل و پیوست نموده بود، از یکدیگر گسیخته و خاک ذلت بر سر مسلمین عموماً ریختند.

برادران عزیز مسلمان! امروز بیش از همه چیز، به اتحاد و برابری و یکرنگی و صمیمیت احتیاج داریم. چنانچه خداوند تعالی در این آیه می‌فرماید:

یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین. [سوره بقره، آیه ۲۰۸]

باید با ایمان به مبدأ حق و حقیقت در سایه تعالیم اسلامی سعی کنیم که ریشه های فساد و بدبینی را از بیخ و بن برکنیم و خود را مشمول آیه شریفه "ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص" [سوره صف، آیه ۴] بداریم. خداوند تبارک و تعالی، کسانی را که در راه او فداکاری می‌کنند و دسیسه های کفر در آنها رخته ندارد، دوست دارد.

به طوری که پیغمبر اکرم (ص) فرموده: "المؤمن للمؤمن کالبنیان یشد بعضه بعضاً"، یعنی مسلمانان مانند اجزای یک ساختمانند که یکدیگر را نگاهداری می‌نمایند. اسلام، حدود و ثغوری برای مسلمین تعیین نکرده و نقطه یا سرزمین معینی را برای آنها وطن قرار نداده است و همه مناطق و ممالک اسلامی، وطن مسلمین است و بر مسلمانان، لازم نموده است که اگر چنانچه برای برادران مسلمان، زحمت و مشقتی پیش آید، بکوشند و به کمک یکدیگر رفع نگرانی از خود بنمایند. اسلام، با تمام قوا بر آن بوده که مسلمین، اختلافات را کنار گذارند و متحداً و متفقاً در یاری و اعانت یکدیگر، جدیت نمایند و به مضمون آیه مبارکه "واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا" [سوره آل عمران، آیه ۱۰۳]، کمر همت بر میان بندند. این مصیبتی که اخیراً برای برادران مسلمان فلسطین پیش آمده و ایرانیان را برای همدردی و اظهار تأثر در این مکان گردهم جمع آورده، منشأ آن، حسن برادری و عواطف دینی و اسلامی است که همه، متحداً تأثر و تألم خود را با قلبی آزرده و شاطری پریشان به سمع عموم مسلمین دنیا می‌رسانیم.

چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار

اکنون، نکاتی چند درباره اوضاع فلسطین - که باعث تهییج احساسات مردم ایران و اجتماع عمومی شده است - به سمع آقایان محترم می‌رسانیم. چنانچه در اخبار روزانه مشاهده کرده‌اید، بعضی دول، بدون مجوز قانونی، فلسطین را که از مراکز مقدسه اسلام و محل مسجد اقصا که قبله اول مسلمین می‌باشد و سالیان دراز وطن و مسکن مسلمانان به شمار می‌رفت و بر آن حکومت می‌کردند و در طی صدها سال، جنگهای خونین صلیبی و دادن میلیونها کشته، نتوانسته‌اند این سرزمین مقدس را از جنگال مسلمین بدر آورند، وطن یهودیانی که از نقاط مختلفه عالم به آنجا مهاجرت کرده، شناخته‌اند. در صورتی که حکومت اسلام از قدیم الایام بر فلسطین حقی ثابت است و مسلمین دنیا بخصوص ملت ایران، چنین اجازه ای را نمی‌دهند که متجاسرین یهود - که ذلیل ترین ملل عالمند - به این حق ثابت دست تعدی دراز نموده و با جنگالهای آلوده به فساد و ظالمانه خود، خانمان برادران مسلمان ما را در هم ریخته و خون آنان را بی‌رحمانه بریزند. در این مورد است که پیغمبر اکرم (ص) اشاره بدین موضوع می‌فرماید: "من اصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم"، یعنی کسانی که صبح کنند و در اهتمام برادران مسلمان خود نباشند، از اسلام بهره ندارند. برادران مسلمان ایرانی، باید بکشند در این هنگام که سخت ترین مصائب بر برادران مسلمان شما رخ داده، از آنها حمایت ننمایید و با تمام قوا، در کمک و اعانت آنها، قیام کنید. تمام مردمان ممالک اسلامی، هر یک به نوبه خود، از کمک مالی و جانی نسبت به مردم بی‌پناه فلسطین، از همدردی دریغ ننموده و فداکاری کرده‌اند.

تمام ممالک اسلامی وطن ماست و ما نیز با تمام قوا، جاناً و مالاً نسبت به سهم خود، باید از آنها حمایت کنیم و در حفظ منافع و مصالح عالیة مسلمین، کوتاهی ننماییم. ما برای شهدای مسلمین فلسطین، بخصوص سید عبدالقادر الحسینی، شهید راه اسلام، درود فرستاده و به احترام ارواح پاک آنان، یک فاتحه می خوانیم.

البته خاطر آقایان مستحضر است یهودیانی که در فلسطین باعث این همه ظلم و جنایت شده اند، یهودیانی هستند که از نقاط مختلف عالم به آنجا مهاجرت کرده اند و با یهودیانی که در ذمة اسلام یعنی تحت حمایت اسلام بوده، جدای می باشند. یهودیانی که در ممالک اسلامی، در تحت حمایت دولتهای اسلامی زندگی می کنند، از حیث جان و مال، در امان می باشند.

در خاتمه، از مسلمانان ایران تقاضای همه گونه کمک مادی و معنوی، به برادران ستمدیده فلسطین می شود و برای این منظور، حسابی در بانک ملی ایران، باز شده است. انتظار می رود برادران دینی، از هر گونه مساعدت و بذل همراهی مالی درباره مسلمانان فلسطین، کوتاهی و مضایقه نمایند. (۵۶)

سند شماره ۹

مقاله روزنامه حیروت، در خصوص طرح اسرائیل برای تشکیل دولت یهود و آواره ساختن فلسطینها

ترجمه از روزنامه حیروت

حقیقی که باید به گوش اعراب برود

لیدرهای صهیونی همیشه اظهار می داشتند که صهیونیها نمی خواهند دولتی تشکیل دهند. این اظهارات، چه در جراید و چه در مجامع و در کنفرانسهای بین المللی و غیره، همیشه تکرار می شد. ولی آنها دروغ می گفتند و می خواستند اعراب را گمراه کنند. حقیقت مطلب این است که ما طالب تشکیل دولتی هستیم که حدود تاریخی ما را دربر داشته باشد، یعنی حدود آن از رود فرات تا دره نیل باشد و بدین جهت، من با کمال صراحت به اعراب می گویم که باید هدف و منظور ما را بدانند. ما در مرحله دوم، می خواهیم دولتی در دو سمت رودخانه اردن تشکیل داده و یهودیهای پراکنده جهان را از سرگردانی نجات داده، همه را نزد خود بیاوریم و در مرحله سوم، قصد داریم دولت اسرائیل را قوی ترین دول عالم قرار دهیم. لذا به اعراب آواره فلسطین می گویم که ما با بازگشت شما به داخله کشور خود، موافقت نداریم. زیرا جایی برای نگاهداری و اقامت شما در کشور ما پیدا نمی شود و اگر جایی برای این کار باشد، ترجیح می دهیم که برادران یهودی خود را از خارج به آنجا بیاوریم.

بدین جهت، به هیچ وجه راضی نخواهیم شد که پناهندگان عرب، به خاک ما آمده و جایگزین برادران یهودی مهاجر ما بشوند. من به اعراب فلسطین می گویم؛ به اینجا نیاید و خودتان و ما را بی جهت به زحمت نیندازید. (۵۷)

سند شماره ۱۰

تقاضای در اختیار گرفتن منطقه سوق الجیشی "النقب" فلسطین اشغالی از سوی آمریکا و انگلیس

سرکنولگری شاهنشاهی ایران در فلسطین و شرق اردن

پاکنویس

شماره: ۵۲۶

تاریخ: ۱۳۲۸/۶/۱۰

پیوست: النقب

وزارت امور خارجه

صحرای جنوب فلسطین، موسوم به "النقب" - که اینک در دست نیروی اسرائیل است و منتهی به خلیج عقبه می شود - از چندی به این طرف مورد توجه فرماندهی نیروی آمریکا قرار گرفته و از نقطه نظر سوق الجیشی، جهت خطوط دفاعی مشترک آمریکا و انگلیس در مقابل تجاوز روسیه، اهمیت زیادی برای آن قائل شده اند.

اخیراً، از طرف دولت آمریکا، یادداشتهایی به دولت اسرائیل داده شده که از قسمت جنوبی النقب صرف نظر نموده، آن را به دولتهای انگلیس و آمریکا واگذار و در عوض، قسمتی از خاک الخلیل غربی را - که اکنون تحت تصرف اعراب است - داخل خاک خود نماید. در یادداشتهای مزبور علاوه شده است، چون دولت اسرائیل مایل است در موقع بروز جنگ بین روسیه و دولتهای غربی بی طرف بماند، بهتر است که از خاک مزبور که یکی از نقاط جنگی به شمار خواهد رفت، از حالا صرف نظر کند. محض استحضار خاطر شریف معروض گردید. (۵۸)

عباس صیقل

سند شماره ۱۱ گزارش تظاهرات مردم مسلمان ایران به طرفداری از حضرت امام خمینی (ره) و ملت فلسطین در جریان انقلاب اسلامی

شهرهای ایران شاهد تظاهراتی علیه امپریالیسم و به طرفداری از فلسطین است؛
تهران ۱۹۷۹/۵/۲۶ - وفا

شهرهای ایران، صبح دیروز شاهد اعتصابات و تظاهراتی علیه امپریالیسم آمریکا و سیاست تجاوزکارانه اش در منطقه بود. این تظاهرات، به طرفداری از امام خمینی و فلسطین برپا شده بود. تظاهرکنندگان، پرچمهای ایران و فلسطین و تصاویر امام خمینی و ابوعمار دردست داشته و شعارهایی بر علیه آمریکا و صهیونیسم می دادند، از جمله: مرگ بر اسرائیل، پیروز باد فلسطین، پیروز باد عرفات، مرگ بر بیگین جلاد.

تظاهرات از دانشگاه تهران به راه افتاد، و به سفارت فلسطین منتهی شد و مدت نیم ساعت جلو سفارت فلسطین، متوقف شده و ضمن آن پرچم اسرائیل به آتش کشیده شد. یکی از سخنگویان در تظاهرات گفت:

از اینجا که پرچم آزادی و انقلاب فلسطین بلند کرده اید و زمانی پایگاه صهیونیسم، امپریالیسم و شاه بود، به نام فلسطین حرف می زنیم. تظاهرات شما، اعتراض به کسانی است که هنوز هم به آمریکا تکیه دارند. اینها گمان بوج کرده اند و روزی از طرف ملت های انقلابی خود، طرد می شوند. اینها مسیر تاریخ را نشناخته اند.

سپس از رهبری امام خمینی تمجید شده و تظاهرات به طرف سفارت آمریکا به راه افتاد. پرچم آمریکا [در جلوی سفارت به آتش کشیده شد و شعارهایی در تأیید امام خمینی و فلسطین و عرفات و علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع داده شد. در اصفهان تظاهراتی علیه امپریالیسم و ارتجاع به راه افتاد و پلاکاردهایی در دست تظاهرکنندگان دیده می شد که در آن نوشته بود: «توره، توره حتی النصر؛ با امام خمینی و ابوعمار حتی النصر».

تظاهرکنندگان، عکسهای امام خمینی و عرفات را بلند کرده و پرچم آمریکا و اسرائیل و همچنین عکسهای کارتر و بیگین را آتش زدند. (۵۹)

پی نوشتها:

- ۱- فلاح نژاد، علی: مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۰.
- ۲- علی بابایی، غلامرضا: فرهنگ علوم سیاسی، جلد ۱، تهران ۱۳۶۹، صص ۲۰-۱۹.
- ۳- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کد ۲۹۰۰۵۶۴۸ کی.ک (نامه انوشیروان سیهبدی وزیر امور خارجه، به ریاست وزرا در تاریخ ۱۳۱۲/۱۹/۵).
- ۴- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کد ۲۵۰۲۸۱۱ ان و نیز اسناد مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین، به کوشش مرضیه یزدانی، چاپ سازمان اسناد ملی، سند شماره ۵۰، صص ۳۹-۳۸، مورخ ۱۳۱۲/۱۹/۵، نامه قنسو لنگری شاهنشاهی ایران در فلسطین (ترجمه مراسله حاج امین الضرب، مفتی فلسطین).
- ۵- امینی، داود: چالشهای روحانیت بازضابطه، نشر سیاسی، ۱۳۸۲، صص ۲۸-۲۲.
- ۶- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کد ۲۰۰۶۱۸۸۵ ان، کد ۲۰۰۶۱۸۸۵ ان.
- ۷- پیشین.
- ۸- پیشین، کد ۲۹۰۰۴۰۹۸ کی ک و نیز، دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی، به کوشش رضا آذری، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، تهران، ۱۳۷۴.

- ۹- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۱۰۲۰۰۶۱۸۵۴، روش دستی. متن ترجمه نامه رئیس شورای اعراب به رئیس الوزرای ایران، متضمن اعلامیه شورای اعراب و تصمیمات کنگره آن شورای در مورد حقوق ملت فلسطین و تمامیت ارضی آن کشور، در سال ۱۳۱۶ ش.
- ۱۰- اسناد کتابخانه و موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در نمایشگاه فلسطین، مجلس شورای اسلامی، از ۲۳ تا ۳۰ فروردین ۱۳۸۵.
- ۱۱- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کد ۱۰۲۰۰۶۱۹۱۴، گزارش وزیر مختار ایران در سفارت ایران در بغداد، به وزارت امور خارجه، در تاریخ هفدهم آذر ماه ۱۳۲۴.
- ۱۲- پیشین، کد ۱۰۲۰۰۶۱۸۱۷۸ ان.
- ۱۳- پیشین.
- ۱۴- اسناد مهاجرت یهود به فلسطین، همان منبع، سند شماره ۱۰۶، ص ۸۴.
- ۱۵- پیشین.
- ۱۶- اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی در نمایشگاه فلسطین، مجلس شورای اسلامی، از تاریخ ۲۳ تا ۳۰ فروردین ۱۳۸۵.
- ۱۷- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کد ۱۰۲۰۰۶۱۸۱۷۶، روش دستی.

- ۱۸- فلاح نژاد، علی: همان منبع، ص ۲۲.
- ۱۹- روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۳۷)ش. به روایت اسناد نخست وزیری، مرکز اسناد ریاست جمهوری، تهران ۱۳۷۷، صص ۶-۴.
- ۲۰- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا: سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، البرز، تهران ۱۳۷۳، ص ۱۵۳.
- ۲۱- اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی در نمایندگاه فلسطین، مجلس شورای اسلامی، از ۲۳ تا ۳۰ فروردین ۱۳۸۵.
- ۲۲- اسناد کتابخانه و موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در نمایندگاه فلسطین، مجلس شورای اسلامی، از ۲۳ تا ۳۰ فروردین ۱۳۸۵.
- ۲۳- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۰۰۰۳۷۴۰، گزارش رئیس شهربانی بوشهر به فرمانداری آن شهر، در دوم بهمن ۱۳۲۸ و نامه وزیر کشور به استانداری استان هفتم در پانزدهم اسفند ۱۳۲۸.
- ۲۴- اسناد آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نمایندگاه فلسطین، مجلس شورای اسلامی، فروردین ۱۳۸۵.
- ۲۵- فلاح نژاد، علی: همان منابع، ص ۳۰.
- ۲۶- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۳۰۰۵۶۲۶، فوق العاده ضمیمه روزنامه دنیای اسلام، ناشر سید ابوالقاسم مرعشی.
- ۲۷- پیشین.
- ۲۸- پیشین.
- ۲۹- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده شهید ذوالقدر، کد ۱۱۰۰.
- ۳۰- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۰۰۰۸۴۷۲.
- ۳۱- پیشین، ضمیمه روزنامه دنیای اسلام، ناشر ابوالقاسم مرعشی.
- ۳۲- فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره های ۳۷-۳۸، صص ۳۸-۳۷.
- ۳۳- امینی - داوود، جمعیت فدائیان اسلام و نقش آن در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۱۴۴-۱۴۲.
- ۳۴- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۳۰۰۵۶۲۶، فوق العاده ضمیمه روزنامه دنیای اسلام، ناشر سید ابوالقاسم مرعشی، خرداد ماه ۱۳۲۷.
- ۳۵- پیشین، سند شماره ۲۹۰۰۰۳۵۹۶، گزارش فرماندار فسا به استانداری استان نهم، در دوم مرداد ۱۳۲۷.
- ۳۶- پیشین، سند شماره ۲۹۰۰۰۸۴۷۱.
- ۳۷- پیشین.
- ۳۸- پیشین، سند شماره ۲۹۰۰۰۶۶۵۸.
- ۳۹- فلاح نژاد، علی: همان منبع، صص ۳۳-۳۴.
- ۴۰- اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، نمایندگاه فلسطین، مجلس شورای اسلامی، فروردین ۱۳۸۵.
- ۴۱- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۰۰۰۳۷۹۴، سالهای ۱۳۴۰-۱۳۳۷ش.
- ۴۲- پیشین، سند شماره ۲۹۰۰۰۰۶۶۴، نامه کفیل استانداری استان هفتم به فرماندهی لشکر ۶ فارس، در تاریخ ۱۳۲۷/۲/۱۸.
- ۴۳- پیشین، سند های شماره ۲۹۰۰۰۴۷۶۲ و ۲۹۰۰۰۸۴۷۱.
- ۴۴- آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، نمایندگاه فلسطین، مجلس شورای اسلامی، فروردین ۱۳۸۵.
- ۴۵- فلاح نژاد، علی: همان منبع، ص ۱۰۸.
- ۴۶- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد اول، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۶۱، صص ۵۷-۵۴.
- ۴۷- پیشین.
- ۴۸- اسناد آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نمایندگاه فلسطین، مجلس شورای اسلامی، فروردین ۱۳۸۵.
- ۴۹- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۳۰۰۰۵۶۲۶، نمایندگاه فلسطین، فوق العاده ضمیمه روزنامه دنیای اسلام، نشر سید ابوالقاسم مرعشی، ۱۳۲۷.
- ۵۰- پیشین، سند شماره ۲۹۰۰۰۶/۱۸۸۵، ان.
- ۵۱- پیشین.
- ۵۲- پیشین.
- ۵۳- اسناد کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، در نمایندگاه فلسطین، در محل مجلس شورای اسلامی، از ۲۳ تا ۲۶ فروردین ۱۳۸۵.
- ۵۴- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۱۰۷۶-۱۰۲۰۰۶، روش دستی.
- ۵۵- پیشین، سند شماره ۲۹۳۰۰۰۵۶۲۶، نمایندگاه فلسطین، ضمیمه روزنامه دنیای اسلام، نشر ابوالقاسم مرعشی، ۱۳۲۷.
- ۵۶- پیشین، سند شماره ۲۹۰۰۰۸۴۷۲، نمایندگاه فلسطین، ضمیمه روزنامه دنیای اسلام، نشر ابوالقاسم مرعشی، ۱۳۲۷.
- ۵۷- اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی در نمایندگاه فلسطین، مجلس شورای اسلامی، از تاریخ ۲۳ تا ۳۱ فروردین ۱۳۸۵.
- ۵۸- پیشین.
- ۵۹- پیشین.



اجساد کتف فولک بر تاروت میانجی سازمان ملل و یک سرهنگ فرانسوی کتفه شده توسط یهودیان افراتی در فلسطین، انتقال اجساد به سوئد و فرانسه برای انجام مراسم خاکسپاری

پژوهشگاه علم‌م‌اشانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی پژوهشی علم‌م‌اشانی

دیدار دبیر کل سازمان ملل (Trygve Lie)، با سفیر سوئد در فرانسه، در خصوص مرکز «کنت فولک برنارت»، یکی از مقامات عالی رتبه سازمان ملل و میانجی در فلسطین



دکتر بنتی نماینده سازمان ملل، فرمانده چتر باران بلژیک و رایزن سیاسی در کمیسیون فلسطین، در حال مشاوره در خصوص طرح شورای امنیت در مورد اتمام جنگ در فلسطین (۱۹۴۸ میلادی)



شماره علوم انسانی و مطالعات
انسانی

آموزش پرستاری به گروهی از زنان مصری، برای پیوستن آنها به ارتش اعراب
در مقابله با اسرائیل



فرمانده تفتقداران آمریکایی در فلسطین، در حال گفت و گو با یکی
از مقامات حکومت اسرائیل (۱۹۴۸ میلادی).



فارسی الخوری، نماینده سوریه و الکساندر کادوگان، نماینده انگلیس در جلسه شورای امنیت، در خصوص صلح در فلسطین



آزادی فردریک سیلوستر انگلیسی از زندان فلسطین، مقهم به همکاری با دشمنان اسرائیل



دکتر رالف بنتش، نماینده سازمان ملل در فلسطین در کنار نماینده امریکا در سازمان ملل

نوع مسوده
 موضوع مسوده
 ضمیمہ
 مسئول باک نویس



نمبر عمومی ۶۷۶۱
 نمبر خصوصی
 کارکن ۲۹
 دوسرے ۶
 ۱۵

تاریخ تحریر ماہ تاریخ باک نویس ماہ تاریخ ثبت ۷/ ۱۰/ ۱۳۱۴

دستور کرم لکھنؤ ہمای
 جانہ آہ برزاسہ قد بہا نے صورت سکراہ نے را کہ کلامم راجع بانک
 مسکن مطلق لہ حضرت راک حضرت راک ہمای ہمارہ کہ را ای نہ اری
 دستہ اہل عرصہ کہ لہ م نہ سہ لہ مکرانہ مکرانہ مکرانہ
 دروہ ہمای رہا ہستی ہستی اگر فاطمہ ہستی ہستی ہستی ہستی
 لہانہ ازاد ہادی ہادی ہادی ہادی ہادی ہادی ہادی ہادی
 ۱۳۱۷

مقدم

مقدم
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۸۳
۱۲/۱۰/۱۴

رایت علیہ دربارہ دار

عطف بر روی نمرة (۹۷۹۶) حسب الامر و تصدیق و امضاء و مهر و انگشت نامہ از داد
مجلس معارف
و اوقاف
و صنایع
مستظرفه
تقدیر و تصدیق - ۱۴۲۵

مسئولان

۱۴
۱۱
۱۰
۱۰

گروه ۳۸۴۳
تاریخ ۱۴/۱۰/۱۴
مستور

+

۶۹
۱۰/۱۴



وزارت کشور
دانشنامه

۱۷/۵/۱۲

۳۸
۱

تاریخ ۱۳۰۲/۰۵/۱۲
شماره ۲۰۲۰۵
ضمیمه

استانداری استان همدان

مختوما معروضیدارد . برحسب دعوتی که ما زاین جانب نموده بودند روز سه شنبه ۱۳۰۲/۰۵/۱۲ پنجم صبح بعد از ظهر در مسجد جامع نساکه اکثر طبقات اهالی و روسا و کارمندان دوائس دولتی حاضر بودند حضور بهم رسانیده قبلا خطاب از طرف آقای محمدی قرائت که رونوشت آن تلو ا تقدیم میگردد سپس از طرف آقای سید صدرالدین فال امیزی برادر آیت اله آقای سید حسام الدین فال امیزی بیانات جامعی مطابق اذهان عمومی در اطراف قضیه ناگوار فلسطین و ملیات نساکه مطلوب و نجای یهودیان نسبت بمسلمین اظهار نمودند و جمله اسلام را ایراد و نیز مجلس بدعی ذات مقدس اعلی حضرت همایون شاد نشاهی خاتمه یافت .
فرماندار شهرستان نساکه سلطانی

رونوشت گزارش بالوصفین خطابه برای استحضار وزارت کشور ایفاد میگردد .

۷۵۸۴
۱۳/۵/۱۲

سهم استاندار استان همدان

گروه تخصصی ...
۴۲۲۹
۱۷/۵/۱۲
ارگ
پایه ادوات ندارد بگنجا بسته
۲۷

برای اطلاع عموم مسلمانان و مخصوصاً جوانان مسلمان خوزستان آگهی میشود

میدانید که خطر صهیونیسم در فلسطین کاملاً با مسلمانان روبرو شده و روزی نیست که خونهای پاک مسلمین در این سرزمین که قلب ممالک اسلامی است ریخته نشود. اکنون امتحان بزرگی برای مسلمانان جهان پیش آمده است و باید ایمان اشخاص در این رستاخیز بزرگ معلوم گردد و میدانید که دو تهران داوطلبانی برای کمک بمجاهدین اسلامی آماده شده و از دولت وقت تسهیلاتی خواسته اند. به پیروی از این مرام مقدس دفتر نام نویسی در

(مطب آقای دکتر حکیم شوشتری)

در اهواز زیر نظر (حضرت آیته الله آقای

حاج سعید علی کمالی)

آماده شده است و بدینوسیله از عموم مسلمانان و مخصوصاً جوانان مسلمان خوزستانی دعوت میشود که برای تشریک در اعانه مالی و مجاهده سربازی در این دفتر نام خود را ثبت نمایند تا موقعی که دولت وقت تصمیم خود را دائر به تسهیلات لازمه اتخاذ و اعلام نماید نامبردگان برای انجام تعهدات خود آماده باشند.

شماره ۱۱

۳۳۲۸۹



اداره امور سیاسی
شماره ۴۵۵۳
تاریخ ۱۷/۹/۱۳۲۰

۲۸۳۱

نخست وزیر

رونوشت گزارشی که طی شماره ۴۲۴۴ مورخ ۱۳۲۵/۹/۱۰
از سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد ارجاع بتاسیس شرکت
سهامی در فلسطین برای خرید زمینهای اعراب فلسطین بوزارت
امور خارجه رسیده جهت استحضار بپیوست ایفاد میگردد
کنیل وزارت امور خارجه محمدعلی همایون‌جاه

Handwritten notes and signatures, including a large '۵' and a signature that appears to be 'محمدعلی همایون‌جاه'.

ورود بدفتر نخست وزیر
شماره ۲۷۴۷۹
تاریخ ۱۳۲۰/۹/۱۷



اعلان

حکومت جليلة بنادر حکم صادر از مقام منبع رياست وزراء عقلم دامت شوکته راجع بمنع مهاجرت کلبیان عیناً درج و در اجرای مفاد آن تأکید میشود نظر باینکه عده زیادی از کلبیان اتباع دولت علیه از دو سال قبل بقصد مهاجرت به فلسطین رفته و بر خلاف انتظار در آنجا دچار انواع مصائب شده اند و نظر باینکه دولت نمیتواند ادامه مهاجرت کلبیان را اجازه بدهد علیهذا و حسب تقاضای وزارت خارجه تا وضع قانون مهاجرت که قریباً تهیه شده و پیشنهاد مجلس مقدس شوری ملی خواهد شد برای مسافرت کلبیان ایران مراتب ذیل باید ملحوظ گردد .

۱ - فقط از تاریخ صدور این حکم تا پانزده روز در طهران و بیست و پنج روز در ولایات کلبیان میتوانند بدون فید و شرط مسافرت نمایند .

۲ - پس از انقضای مدت مذکوره کسانی میتوانند از کلبیان بخارج مسافرت کنند که قصد زیارت یا تجارت داشته و ترک علاقه هم نکرده باشند و برای اینکه این مطلب محقق گردد میبایست ضمان معتبر معرفی نمایند .

۳ - وزارت امور خارجه و وزارت داخله موظف باجرای مراتب خواهند بود .

نمره ۵۱۶۸ (وزارت داخله)

حکم متحدالآل کتبی نمره ۵۱۶۸ وزارت جليلة در فوق باطلاع عموم کلبیان بوشهر و بنادر خلیج میروساند و از تاریخ نشر این اعلان سواد آن حسب الامر اجرا خواهد شد . نمره ۲۲۹۹

(حکمران کل بنادر و جزایر خلیج)
(بمیرالمالک)

منبعه • مظفری • بوشهر